



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

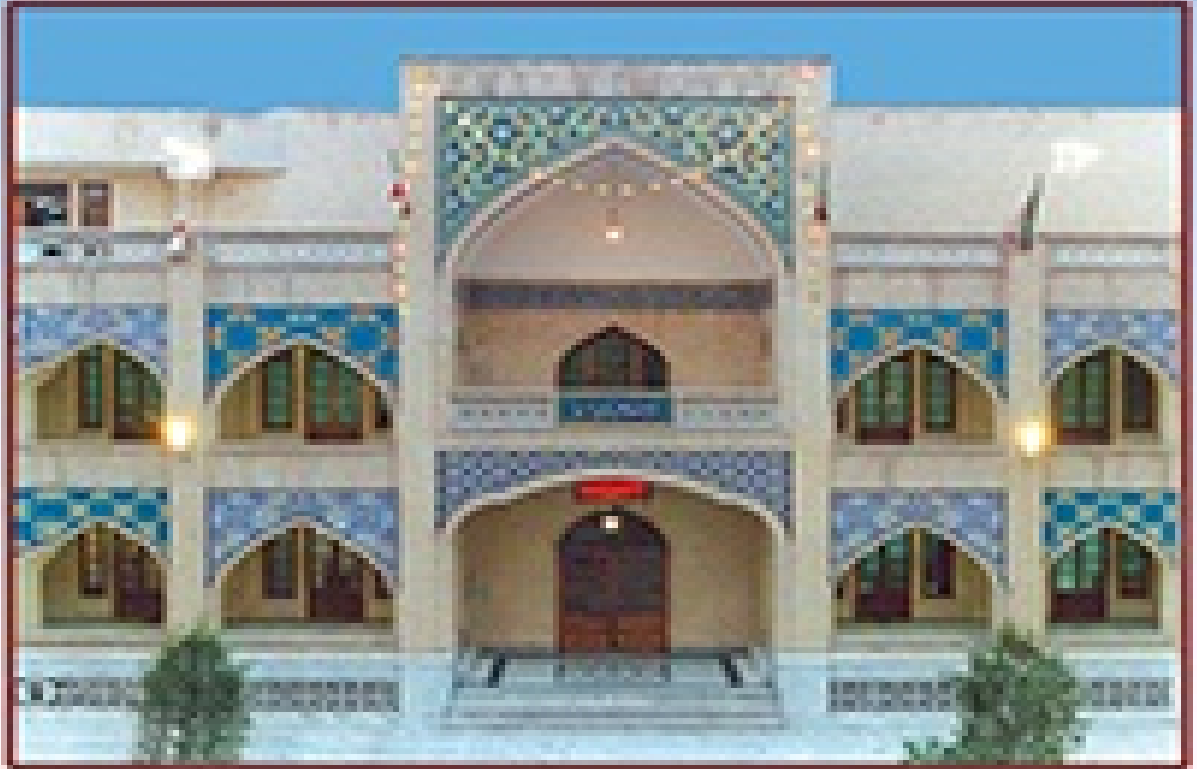
.net

.ir



حوزہ علمیہ

پہستھا و پایدھا



استاد سید احمد خاٹمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حوزه علمیه هست‌ها و باید‌ها

نویسنده:

احمد خاتمی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	حوزه علمیه هست ها و باید ها
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۰	مقدمه
۲۴	پیشگفتار
۲۸	بخش اول: طلبگی، توفیقی الهی
۲۸	نعمت طلبگی
۲۹	لزوم شکر نعمت طلبگی
۳۰	جلوه های شکر در طلبگی
۳۰	۱. تهذیب نفس
۳۰	اشاره
۳۱	ویزگی های علم قرآنی
۳۳	درس اخلاق یک ضرورت
۳۵	۲. سخت کوشی
۳۵	اشاره
۳۵	نمونه هایی از سخت کوشی علما
۴۰	ضرورت تعطیلات مناسب
۴۱	۳. استاد شایسته
۴۱	اشاره
۴۱	استاد مهذب
۴۲	استاد متخصص
۴۳	استاد انقلابی

۴۵	۴- هم نشینان صالح
۴۵	اشاره
۴۸	هشدار به طلبه ها!
۵۰	۵. فدا نکردن درس
۵۰	اشاره
۵۱	تحمل سختی ها در سیره عالمان دین
۵۵	بخش دوم: هدف از تحصیلات حوزوی
۵۵	هدف از تحصیلات حوزوی
۵۶	نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی حوزه
۵۷	ارزیابی کتاب های موجود درسی
۶۰	اصلاح کتاب های درسی
۶۱	تخصصی شدن علوم حوزوی
۶۲	رشته های تخصصی
۶۳	موضوعات مستحدثه
۶۴	تکامل فقهت
۶۵	شیوه های پاسخ گویی حوزه به نیازها
۶۵	روش های گوناگون تبلیغی
۶۸	بخش سوم: نگاهی به تحصیل در حوزه های علوم دینی
۶۸	نگاهی به تحصیل در حوزه های علوم دینی
۶۸	برای چه بخوانیم؟
۷۳	چه بخوانیم؟
۷۴	اصول عقاید
۷۵	کوشش کلامی شیخ مفید
۷۷	احیای برخی آثار کلامی در حوزه
۷۸	علوم قرآنی و تفسیر
۸۳	علم فقه

۹۰	چگونه بخوانیم؟
۹۱	آداب مطالعه و تحصیل
۹۳	آفات تحصیل
۹۴	سنت مباحثه و آداب آن
۹۶	آداب تدریس
۹۸	راز موفقیت حوزه های علوم دینی
۹۹	نخستین و موفق ترین حوزه علمیه جهان تشیع
۱۰۰	عوامل موفقیت های حوزه امام صادق علیه السلام
۱۰۵	وظایف امروز حوزه های علمیه
۱۰۸	بخش چهارم: تجدید نظر در کتاب های درسی، ضرورت ها و لغزش ها
۱۰۸	اشاره
۱۰۸	از تحصیل تا تألیف و تدریس
۱۰۹	تدریس در حوزه
۱۱۰	درس تفسیر
۱۱۳	سیره ائمه، ضرورتی انکارناپذیر
۱۱۴	آثار علمی
۱۱۵	روش های تجدید نظر در کتاب های درسی حوزه
۱۱۸	اصلاحات کتب درسی
۱۲۲	بخش پنجم: حوزه های علوم دینی، بایسته ها و آفت ها
۱۲۲	اشاره
۱۲۳	بایسته ها و ضرورت های فعلی حوزه
۱۲۴	بُعد علمی حوزه
۱۲۵	بعد اخلاقی حوزه
۱۲۶	بعد سیاسی حوزه
۱۲۶	دو جریان خطرناک
۱۲۸	منظور از استقلال حوزه چیست؟

- ۱۲۹ ----- حوزه و نظام اسلامی
- ۱۳۰ ----- بُعد اخلاقی و معنوی حوزه
- ۱۳۴ ----- پیرامون ضرورت اصلاح شیوه های درسی حوزه های علمیه
- ۱۳۴ ----- مؤلفه های پویایی فقه
- ۱۳۶ ----- علوم ضروری در حوزه
- ۱۳۶ ----- اشاره
- ۱۳۶ ----- الف) تفسیر قرآن
- ۱۳۷ ----- ب) درس فلسفه و کلام
- ۱۳۷ ----- ج) درس سیره پیامبر و معصومین علیهم السلام
- ۱۳۸ ----- ضرورت تشکیل یک سازمان منسجم روحانیت
- ۱۴۱ ----- نکاتی در اصلاح حوزه
- ۱۴۴ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : خاتمی، سیداحمد، 1339 -

عنوان و نام پدیدآور : حوزه علمیه هست ها و باید ها/احمد خاتمی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1388.

مشخصات ظاهری : 132 ص.

شابک : 11000 ریال (چاپ اول) ؛ 13000 ریال: 0-60-9710-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول : 1385 .

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حوزه های علمیه

موضوع : طلاب

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP7/41388 /خ16ح9

رده بندی دیویی : 297/071

شماره کتابشناسی ملی : م85-36207

ص: 1

اشاره

حوزه علمیه هست ها و باید ها

احمد خاتمی.

بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1388.

ص: 3

فهرست مطالب

مقدمه *** 9

پیشگفتار *** 13

بخش اول: طلبگی، توفیقی الهی *** 17

نعمت طلبگی *** 17

لزوم شکر نعمت طلبگی *** 18

جلوه های شکر در طلبگی *** 18

1. تهذیب نفس *** 18

ویژگی های علم قرآنی *** 20

درس اخلاق یک ضرورت *** 22

2. سخت کوشی *** 23

نمونه هایی از سخت کوشی علما *** 24

ضرورت تعطیلات مناسب *** 29

3. استاد شایسته *** 29

استاد مهذب *** 30

استاد متخصص *** 31

استاد انقلابی *** 31

4. هم نشینان صالح *** 33

هشدار به طلبه ها! *** 36

5. فدا نکردن درس *** 37

تحمل سختی ها در سیره عالمان دین *** 39

بخش دوم: هدف از تحصیلات حوزوی "" 44

هدف از تحصیلات حوزوی چیست؟ "" 44

ص: 5

نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی حوزه *** 44

ارزیابی کتاب های موجود درسی *** 45

اصلاح کتاب های درسی *** 48

تخصصی شدن علوم حوزوی *** 49

رشته های تخصصی *** 50

موضوعات مستحدثه *** 51

تکامل فقاہت *** 51

شیوه های پاسخگویی حوزه به نیازها *** 52

روش های گوناگون تبلیغی *** 53

بخش سوم: نگاهی به تحصیل در حوزه های علوم دینی *** 55

برای چه بخوانیم؟ *** 55

چه بخوانیم؟ *** 59

اصول عقاید *** 60

کوشش کلامی شیخ مفید *** 62

احیای برخی آثار کلامی در حوزه *** 63

علوم قرآنی و تفسیر *** 64

علم فقه *** 69

چگونه بخوانیم؟ *** 75

آداب مطالعه و تحصیل *** 76

آفات تحصیل *** 78

سنت مباحثه و آداب آن *** 79

راز موفقیت حوزه های علوم دینی *** 83

نخستین و موفق ترین حوزه علمیه جهان تشیع *** 84

عوامل موفقیت های حوزه امام صادق علیه السلام *** 85

وظایف امروز حوزه های علمیه *** 90

بخش چهارم: تجدیدنظر در کتاب های درسی، ضرورت ها و لغزش ها *** 93

ص: 6

از تحصیل تا تألیف و تدریس *** 93

تدریس در حوزه *** 94

درس تفسیر *** 95

سیره ائمه، ضرورتی انکارناپذیر *** 97

آثار علمی *** 99

روش های تجدید نظر در کتاب های درسی حوزه *** 100

اصلاحات کتب درسی *** 103

بخش پنجم: حوزه های علوم دینی، بایسته ها و آفت ها *** 107

بایسته ها و ضرورت های فعلی حوزه *** 108

بُعد علمی حوزه *** 109

بعد اخلاقی حوزه *** 109

بعد سیاسی حوزه *** 111

دو جریان خطرناک *** 111

منظور از استقلال حوزه چیست؟ *** 113

حوزه و نظام اسلامی *** 114

بُعد اخلاقی و معنوی حوزه *** 115

پیرامون ضرورت اصلاح شیوه های درسی حوزه های علمیه *** 118

مؤلفه های پویایی فقه *** 118

علوم ضروری در حوزه *** 119

ضرورت تشکیل یک سازمان منسجم روحانیت *** 121

نکاتی در اصلاح حوزه *** 125

چه می شود که گاهی «بایدها» و «نبایدها» جای خود را به شایدها و نشایدها می دهند.

تابلوه‌های «تردید» در مسیر تکامل و رشد، فراوان، خودنمایی می کنند.

«هدف» نیز در این وانفسا جای خود را به «ابزار» می دهد و ابزارهای دست و پاگیر، زمین گیر مان می کنند.

فارغ از آن که رجعتی عالمانه و آگاهانه را باید و ماندن دائمی را نشاید.

مگر نه آن که بانگ «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...»⁽¹⁾ هویتی برای مان ساخت که برگرفته از مکتب درسی امام صادق علیه السلام است. و رسالتی در پرونده تقدیر برای مان رقم زد که از لحظه خلقت بشر تاکنون به دوش نبی و وصی بوده است.

بار هدایت بشریت سنگین و طاقت فرساست، اما چه باک وقتی سرمنزل مقصود کمال باشد و سعادت.

و چه شیرین است قدم گذاشتن جای پای بزرگ مردان واصلی که «ایصال» را شعار زندگی خود قرار دادند و در این راه از همه «خود»

ص: 9

گذشتند تا راه «خدا» را نشان دهند.

ما همان طایفه ای هستیم که در رسیدن و رساندن به آن رسولان الهی هم آهنگ شده ایم و آمده ایم تا رسیدن به زمان دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هادی باشیم و در دولت او نیز اگر خدا خواهد.

آمده ایم تا روش ها و منش های هدایت را بیاموزیم.

آمده ایم برای طبابت معنوی بشر مادی.

آمده ایم تا راوی حدیث حجت های خدا بر زمین باشیم.

آمده ایم که برگردیم...

پس تا زمان رجعت باید آموخت هر آنچه که باید آموخته شود؛ چرا که مسیر نیز به اندازه رسالت مشکل است. راهی ناهموار که هر لحظه ممکن است کمین شیطان ما را اسیر کند.

هر چند قدم مانعی و چاله ای که شاید حکم چاه را داشته باشد.

و خوشا به حال آنان که به خط پایان برسند و هادی شوند و راوی حدیث.

مجموعه حاضر گردآمده از مباحث معرفتی و تربیتی استاد گرانقدر جناب حجه الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی می باشد که در تلاش است به قدر توان، قله ها و چاله ها، روش ها و منش های تحصیل و آفات و آسیب های طلبگی را به آنان که در این مسیر سلوک می کنند نشان دهد.

ذکر این نکته بایسته است که مجموعه مباحث تربیتی و فرهنگی اساتید دعوت شده به مدرسه علمیه عالی نواب زیر نظر بخش فرهنگی تربیتی مدرسه، از نوارها پیاده شده و پس از اصلاح، تکثیر می شود تا دیگران نیز از این گنجینه بهره مند گردند.

کتاب حاضر نیز به ضمیمه یادداشت و مصاحبه های استاد خاتمی در راستای تحقق این هدف فراهم شده است.

در پایان از بنیاد محترم پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی که نسبت به ویرایش، صفحه آرایی و چاپ و نشر کتاب تلاشی شایسته داشته است تشکر و تقدیر می گردد.

مدرسه علمیه عالی نواب

مشهد مقدس

ص: 11

نوشتاری که پیش روی شماست مجموعه مباحث حوزوی است که مخاطب آن حوزویان عزیز می باشند. این مجموعه از پنج بخش تشکیل شده است:

بخش اول: تدوین و تحریر یک سخنرانی است که در دهه آخر صفر 1426 (فروردین 1384) در جمع طلاب عزیز مدرسه علمیه عالی نواب در مشهد ایراد شده است. این سخنرانی توسط بخش فرهنگی مدرسه از نوار پیاده و تنظیم شده؛ سپس این جانب از نو مطالب را بازنویسی کرده مباحث فراوانی را بر آن افزودم، به حدی که می توانم بگویم بین آنچه گفته ام و آنچه نوشته ام «عام و خاص من وجه» است.

در این بخش، سخن از این است که توفیق تحصیل در حوزه نعمت الهی است و باید شکر آن را به جا آورد. سپس پنج جلوه شکر این نعمت را بیان کرده ایم که عبارت اند از:

1- تهذیب نفس

2- سخت کوشی

3- انتخاب استاد شایسته

4- انتخاب هم نشین صالح

5- فدا نکردن درس برای زندگی مرفه

ص: 13

در ضمن این مباحث، آسیب‌ها نیز ذکر شده است.

بخش دوم: مصاحبه نسبتاً مفصلی است که با مجله پیام حوزه (سال سوم، شماره چهارم، زمستان 1375) داشته‌ام. در این مصاحبه از مباحث متنوع حوزوی مانند هدف از تحصیلات حوزوی، نظام آموزشی حوزه، نقاط ضعف و قوت در این عرصه، کتاب‌های درسی، اصلاح کتب درسی، تخصصی شدن علوم حوزوی و... پرسش شده و این جانب نیز پاسخ داده‌ام.

بخش سوم: پیرامون تحصیل در حوزه‌های علوم دینی است.

این بخش مجموعه مقالاتی است که این جانب در صفحه حوزه روزنامه جمهوری اسلامی نوشته‌ام (تاریخ دقیق آن را نمی‌دانم). در این بخش از چند موضوع بحث شده است:

1- چرا بخوانیم! (هدف تحصیل)

2- چه بخوانیم؟ در این بخش بر اصول عقاید و تفسیر و فقه تأکید ویژه کرده‌ایم.

3- راز موفقیت در تحصیل علوم دینی.

بخش چهارم: مصاحبه‌ای است که با هفته‌نامه پگاه حوزه (شماره 45) داشته‌ام. در این مصاحبه از زندگینامه تحصیلی ام سخن گفته‌ام. عمده سؤالات این مصاحبه پیرامون کتاب‌های درسی حوزوی، نقاط ضعف و قوت آن‌ها، دروس اصلی و جنبی حوزه، بایسته‌ها و ضرورت‌های فعلی حوزه سؤال شده که پاسخ داده‌ام و مباحث تکراری نیست. ممکن است عنوان سؤالات یکی باشد، اما پاسخ‌ها از منظرهای گوناگون است.

بخش پنجم: مصاحبه‌ای است مختصر که با روزنامه کیهان (دوشنبه

28 بهمن 1370) داشته ام. این مصاحبه در پی اولین سفر مقام معظم رهبری (مدظله) به قم و رهنمودهای ارزشمند ایشان در رابطه با حوزه های علمیه بوده است. در این بخش پیشنهادی درباره سامان یافتن امور حوزه های سراسر کشور ارائه شده است.

امید است که این مجموعه مباحثی مفید در عرصه مسائل حوزوی باشد و گامی در جهت رشد و ارتقای حوزه های علمیه محسوب گردد؛ ان شاء الله.

قم، حوزه علمیه

سیداحمدخاتمی

18/3/84

ص: 15

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. أَلَا- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاثَ الْعِلْمِ»⁽¹⁾؛ در پی دانش بودن بر هر مسلمانی واجب است. همانا خداوند دانش پژوهان را دوست دارد.

توفیق طلبه شدن و ورود در جرگه خدمتگزاران دین هدیه ای الهی و نعمتی پاس داشتنی است. طلبه شدن به معنای حضور در خانه امام زمان(عج) است. در این خانه بی اجازه نباید وارد شد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»⁽²⁾؛ ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه داده شود.

اجازه ورود در این خانه، عزم بر خدمتگزاری مکتب است و اینک که در مجموعه حوزویان قرار گرفته ایم، به «برهان ان» (از معلول به علت رسیدن) معلوم می شود از سوی اهل بیت علیهم السلام عنایت بوده که این توفیق نصیب شده است. بنابراین، باید قدر این هدیه ارزشمند و این نعمت

ص: 17

1- -اصول کافی، ج 1، ص 35.

2- - احزاب 33 / 53.

بزرگ و قدر این سفره پربرکت معنویت، صفا و اخلاص را بدانیم. صاحب خانه، امام زمان (عج) و صاحب سفره اوست. او از آغاز تاکنون به ما عنایت داشته و اگر سرباز شایسته این بزرگ فرمانده جهان هستی باشیم او نیز همچنان عنایت خواهد داشت. فقط باید مراقب باشیم که تقصیر و قصوری از ما سرزنند که:

«گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟»

حوزه های دینی نقش «بانک مرکزی فرهنگ دینی» را ایفا می کنند. هر چه در این حوزه ها سرمایه های ارزشمندتری باشند، غنای این فرهنگ بیشتر خواهد شد. هر چه در حوزه ها علامه طباطبایی ها، آیه الله مطهری ها، آیه الله میرزا جواد آقا تهرانی ها، آیه الله مرواریدها(1) و... بیشتر

باشند مکتب عزت بیشتری خواهد یافت و فرهنگ دین عزیزتر خواهد شد. حوزه ها باید به سمت و سوی تربیت این گونه گل های معطر بروند.

لزوم شکر نعمت طلبگی

اینک باید دید شکر نعمت حوزوی بودن و توفیق طلبگی چیست؟ چه این که شکر، سبب ماندگاری نعمت هاست و ناسپاسی سبب از دست دادن آن و مجازات الهی. «...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»(2)؛ اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود] را بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

ص: 18

1- - دوتن از علمای ربّانی مشهد مقدس.

2- - ابراهیم 7/14.

اشاره

اولین جلوه شکر در این عرصه، تلاش پیوسته در عرصه تهذیب نفس است. اصولاً جاذبیت روح طلبگی به «معنویت» است. اگر این عنصر در حوزه ها نباشد هیچ تفاوتی بین این مراکز علمی و دیگر مراکز پژوهشی نخواهد بود. گرچه دیگر مراکز علمی که دانش آن ها در خدمت دین و ارزش ها قرار گیرد نیز شایسته تجلیل و تکریم اند، اما آنچه سبب شده که عالمان دین در چشم مردم جاذبه معنوی بیابند عنصر «معنویت»، «عشق به خدا»، «زهد و بی اعتنایی به زخارف دنیا» و... بوده است.

امام خمینی قدس سره در این زمینه می فرماید:

«من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش ها نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی روحانیت را آلوده کند.»⁽¹⁾

اگر تحصیل همراه با تهذیب نفس نباشد مطمئناً زیانش بیش از نفع آن است. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«قَصَمَ ظَهْرِي إِثْنَانِ: عَالَمٌ مُتَهَتِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَسَكِّكٌ. فَالْجَاهِلُ يُعْشُّ النَّاسَ بِتَسْكِهِ وَ الْعَالِمُ يُعْرِضُهُمْ بِتَهْتِكِهِ»⁽²⁾؛ دو گروه کمرم را شکستند، دانشمند بی شرم و حیا و پرده در، و نادان مقدس مآب. زاهدنمای نادان با

ص: 19

1- صحیفه نور، ج 2، ص 244.

2- بحار الانوار، ج 2، ص 111.

تزهده خود و تظاهر به پارسایی مردم را فریب می دهد و عالم دریده و بی پروا با پرده دری خود انسان ها را از دین و مذهب گریزان می کند.

عالم دینی که در پی ساختن انسان هاست، خود باید مهذب باشد؛ زیرا کسی که خود در بند است، نمی تواند دیگران را آزاد کند.

نفس خود ناکرده تسخیر ای فلان *** چون کنی تسخیر نفس دیگران

نفس را اول برو در بند کن *** پس برو آهنگ و عظم و پند کن

منبری بگذار بهر خود نخست *** وانگهی بر جبهه به منبر تند و چست

آتشی در دل برافروز آنگهی *** گرم کن هنگامه و عظم ای رهی

تا سوز دین نگردد دل کباب *** دم نگردد گرم، ای عالی جناب

تا تورا سوزی نباشد در جگر *** دم نزن کاندردمت نبود اثر (1)

ویژگی های علم قرآنی

علم ارزشمند از نگاه قرآن، «اصطلاحات»، «فرمول ها» و «قواعد» نیست. گرچه آموزش همین ها هم اگر در راستای انگیزه الهی باشد، محترم و مقدس است، لکن علم واقعی علمی است که همراه آن خشیت باشد. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (2)؛ تنها بندگان عالم و دانشمندانند که از خدا خشیت دارند.

راغب در مفردات می نویسد: «خشیت به معنی ترس است آمیخته با تعظیم؛ و غالباً در مواردی به کار می رود که از علم و آگاهی به چیزی سرچشمه می گیرد؛ از این رو در قرآن مجید این مقام مخصوص عالمان

ص: 20

1- طاقدیس، ص 282 و 203.

2- فاطر 28/35.

عالم قرآنی عالمی است که شیفته دنیا نباشد و علاوه بر آن مردم را با بی اعتنایی به دنیا، به سوی زهد هدایت کند. در سوره قصص می خوانیم که وقتی قارون مغرور و از خودراضی - که مدعی مقام علم نیز بود - ثروت خود را به نمایش گذاشت، جمعیت دنیاپرست که سخت تحت تأثیر آن زرق و برق قرار گرفته بودند، آرزو کردند ای کاش آن ها نیز دارای چنین بهره ای از دنیا بودند! ولی «عالمان» بنی اسرائیل بر آن ها فریاد زدند: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا

يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ»(2)؛ و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند، گفتند: وای بر شما! پاداش الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند، بهتر است و این مقام تنها در اختیار شکیبایان و افراد پراستقامت قرار می گیرد.

«عالمان» در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان «صندوقچه آراء و افکار» این و آن، و انباشته قوانین و فرمول های علمی جهان و زبان شان گویای این مسائل و محل زندگی شان مدارس و دانشگاه ها و کتابخانه هاست، بلکه علما، آن گروه از صاحب نظران و دانشمندان اند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته و نسبت به وظایف شان سخت احساس مسئولیت می کنند و از همه

پایبندترند.

عالم قرآنی عاشق بی قرار حق است.

ص: 21

1- - مفردات راغب، ماده «خشی».

2- - قصص 28/80.

«إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا»⁽¹⁾؛ آن‌ها که پیش از این به آنان علم و دانش داده شده هنگامی که این آیات بر آن‌ها خوانده می‌شود به خاک می‌افتند و سجد می‌کنند.

عالمان قرآنی آن چنان مجذوب و شیفته سخنان حضرت حق اند که بی اختیار به سجده می‌افتند. «يَخِرُّونَ» به معنای بی اختیار بر زمین افتادن است.

عالم

قرآنی به راستی خدا باور است.

«وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»⁽²⁾؛ آن‌ها که دارای علم اند، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می‌دانند و هدایت کننده به راه خداوند عزیز حمید.

درس اخلاق یک ضرورت

آنچه یاد شد، نگاه قرآن به «علم» و «عالم» است و حوزه‌های علمیه باید در پی پرورش چنین علمایی باشند. از این رو درس اخلاق در حوزه‌ها بی تردید یک ضرورت است. مرحوم آیه الله العظمی میرزاهاشم آملی از تلامذه برجسته محقق بزرگ مرحوم آقاضیاءالدین عراقی برایم نقل کرد که با مرحوم آیه الله سید محسن حکیم، فقیه برجسته و مؤلف کتاب ارزشمند مستمسک العروه الوثقی به درس مرحوم آقاضیاءالدین می‌رفتم. مدتی ایشان در درس حاضر نشد. علت را از ایشان پرسیدم. او فرمود: «هم زمان با درس آقاضیاء درس اخلاقی شروع شده و من آن

ص: 22

1- - اسراء 17 / 107.

2- - سبأ 34 / 6.

درس را ضروری تر از درس اصول می دانم.» تا وقتی که آن درس برقرار بود، ایشان به این درس نیامد و پس از تعطیلی آن، مجدداً به درس آفاضیاء آمد. این حکایت، ضرورت درس اخلاق و اهمیت آن را در حوزه ها به خوبی نشان می دهد.

درس اخلاق برای همگان یک ضرورت است، ولی برای آنان که می خواهند آموزنده اخلاق باشند، ضروری تر. پیشنهادم این است که مدیران محترم حوزه های بزرگ، مثل قم، مشهد، اصفهان و... با هماهنگی یکدیگر متون اخلاقی متناسب با طلاب از پایه اول تا پایه دهم را تدوین کنند که این متون همانند دیگر دروس، امتحان و امتیاز داشته باشد. روشن است باید محتوای این متون عمیق، برگرفته از آیات و روایات و هم سنگ معراج السعاده، جامع السعادات، المحججه البیضاء، حقایق مرحوم فیض و مفتاح الفلاح جناب شیخ بهایی باشد. البته در حوزه علمیه قم کارهایی در این راستا صورت گرفته است که امید است دارای ویژگی فوق هم باشد.

علاوه بر این، درس های اخلاقی که در هفته یک ساعت، بزرگی دعوت شود و او تذکراتی اخلاقی بدهد باید سامان یابد. البته در این خصوص نخست باید آسیب ها شناسایی شوند و درس های اخلاق در راستای آسیب زدایی باشد؛ مثلاً در یک تحقیق میدانی آفت ها تدوین گردند و هر هفته از بزرگواری که دعوت می شود، بخواهند درباره فلان آفت و راه درمان آن صحبت کند و این کار را باید مدیر مدرسه مدیریت کند، تا هم مطالب لازم و کاربردی عرضه شود و هم از تکرار مکررات خودداری گردد.

اشاره

دومین جلوه شکر نعمتِ تحصیل در حوزه، «سخت کوشی در تحصیل» است. طلاب جوان باید بدانند که امروز تحصیل عمیق علوم دینی از مرز واجب کفایی گذشته و به وجوب عینی رسیده است. بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی بستری گسترده برای نشر اسلام هم در داخل کشور و هم در خارج آن فراهم شده و عطش شنیدن و فهم معارف اسلامی در حد بسیار بالایی است. این نیاز می طلبد که حوزه ها با پرورش عالمانی عمیق و وارسته، این عطش را به سیرابی مبدل سازند.

نمونه هایی از سخت کوشی علما

عالمانی که منشأ خدماتی فراوان شدند و آثاری جاویدان از خود باقی گذاشتند، کسانی اند که ذره ای از وقت خود را به بطالت نگذرانده، پیوسته اشتغال داشتند.

عروسی در ماه رمضان: امام راحل عظیم الشان که به حق مجدد اسلام در عصر حاضر شد، در دوره تحصیل و طلبگی و تدریس، ذره ای وقت خود را به بطالت نمی گذراند و حداکثر استفاده را از وقت می کرد. همسر امام می گوید: عروسی ما در ماه مبارک رمضان بود، به دلیل آن که امام مقید بود عروسی در وقت تعطیلی دروس باشد (تا ازدواج لطمه ای به درس نزند!)⁽¹⁾. امام قدس سره حتی تابستان ها را به کار علمی و تألیف اشتغال داشتند. ایشان در پایان کتاب الاستصحاب می نویسد:

«قد وقع الفراغ من تسویده، مؤلفه الفقیر روح الله بن مصطفی

ص: 24

الموسوی الخمینی تاسع شهر رمضان المبارک سنہ الف و ثلاث مائہ و سبعین فی بلدہ محلات؛ نویسنده تألیف این کتاب را سال 1370 قمری در شهر محلات به پایان برد و در پایان کتاب طلب و اراده می نویسد:

«قد وقع الفراغ من تبيضه يوم الخميس لخمس خلون من شهر الله المبارك سنة 1371 في مدينة همدان»⁽¹⁾؛ پاکنویس این کتاب روز پنجشنبه 25 ماه مبارک 1371 قمری در شهر همدان پایان یافت. یعنی طی تابستانی که ایشان در همدان بود، دستاوردش اتمام این کتاب بوده است.

آری این امام سخت کوش است که با تحصیل جدی و تحقیق، سرانجام منجی یک کشور می شود.

جدّیت در درس: مرحوم محقق خوبی، این فقیه و اصولی برجسته تشیع که آثار ذی قیمتی را از خود باقی گذازد، آن چنان در درس جدی بود که حتی در زمانی که تقریباً در حد استفتاء هم بودند درس را تعطیل نکردند. یکی از تلامذه مرحوم آیه الله خوبی می گوید:

«مرحوم آقا در سفر اولشان به ایران (سال 1353 قمری) قرار بر آن نهاد تا مدتی را که در تهران میهمان مرحوم آیه الله حاج سیداحمد نخجوانی هستند، جلسه معارفه ایشان با حضور علما و تجار برگزار شود. پس از گذشت چند روز ناگهان مرحوم آیه الله العظمی خوبی اعلام کردند که من باید به نجف بازگردم، لذا روز پنجشنبه برایم بلیت برگشت تهیه نمایید! مرحوم آقا نخجوانی هر چه اصرار کردند که بمانید تا این جلسه معارفه با توجه به این مقدمه چینی ها برگزار شود، فایده نبخشید و آقا بر

ص: 25

مراجعت پافشاری می کردند. وقتی علت را جویا شدند، فرمود:

«شنیده ام آقای نائینی روز شنبه درس را آغاز می کنند و من باید بر سر درس حاضر باشم» و به همین خاطر از آن جلسه مهم صرف نظر می نماید و برای از دست ندادن چند جلسه درس مرحوم میرزای نائینی به نجف باز می گردد.»(1)

مباحثه در خواب! در حالات فقیه برجسته آیه الله العظمی گلپایگانی آمده است که ایشان فرمودند: در دوران جوانی و ایام تحصیل، سخت مشغول درس و بحث بودم، به طوری که تمام اوقاتم مستغرق در تحصیل بود و بر اثر این مداومت و جدیت چنان شده بودم که حتی در خواب هم اشتغال داشتم! به این صورت که تا خواب می رفتم جلسه درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم و یا جلسه مباحثه با رفقا به خوابم می آمد و می دیدم که مشغول مباحثه ام. و گاهی مطالبی که در عالم رؤیا رد و بدل می شد، یادم می ماند و مورد استفاده ام قرار می گرفت!(2)

نیز فرمودند: در دورانی که در مدرسه فیضیه طلبه بودم دچار کسالت و بیماری شدم و استاد مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری شب ها برای تدریس در مدرسه فیضیه حضور می یافت. من که آن شب از شدت کسالت و تب نمی توانستم حرکت کنم به رفقا گفتم مرا ببرید به کلاس درس و با لحاف، پشت منبر درس بخوابانید، تا از فیض درس ایشان محروم نمانم!(3)

مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی با این که وقتی آیه الله العظمی

ص: 26

1- - یادنامه مرحوم آیه الله العظمی خویی، ص 61 و 62.

2- - نوری در ملکوت، ص 47 و 48.

3- - همان، ص 49.

بروجردی به قم آمدند مجتهدی مسلّم و فقیهی فرهیخته بودند، اما مقید بودند که در درس آن مرحوم شرکت کنند. آیه الله اشتهاردی فرمودند: ... روزی آیه الله العظمی گلپایگانی که در مدرسه فیضیه درس می گفت بعد از درس با عجله رفتند و عذرخواهی کرده و فرمودند می خواهم به اول درس آیه الله بروجردی برسم و اول درس از دستم نرود. (1)

آری این بزرگان با این سخت کوشی ها بار علمی خود را بستند و مایه فخر اسلام و تشیّع شدند. بی شک آنان نمونه های مسلّم طلبه های موفق هستند.

بنابراین حضور نامنظم در درس، تبلی و عدم مطالعه دروس و تعطیلات زیاد در ایام تحصیلی را باید آفتی برای تحصیل به حساب آورد و باید با برنامه ریزی واقع بینانه حتی الامکان از تعطیلات کاست و درس را بی جهت تعطیل نکرد.

گداها تعطیل نکردند، ما چرا؟ استاد آیه الله حسن زاده آملی می گوید: روزی از روزهای زمستان که برف سنگین و سهمگین تماشایی آن کوی و برزن را هموار کرده بود که گویی شاعر در وصف باریدن آن برف گفته:

در لحاف فلک افتاده شکاف *** پنبه می بارد از این کهنه لحاف

برای حضور در مجلس درس استاد شعرانی دودل بودم. هم به لحاظ مراعات حال استاد و منزل آن جناب، و هم به لحاظ کسوت و وضع طلبگی خودم که «کوس عاشقان کوی تو» و «الفقر فخری» می زدم، بالا-خره از روی شوق فطری و ذوق جبلّی به راه افتادم و برهه ای از زمان بر

ص: 27

در سرایش مکث کردم و با انفعال حلقه بر در زدم.

چون به حضورش مشرف شدم، عذر خواهی کردم که در چنین سرمای سوزان مزاحم شدم، فرمودند: وقتی از مدرسه تا این جا می آمدی، آیا گدایان روزهای پیش که در کنار خیابان ها و کوچه ها می نشستند و گدایی می کردند، امروز را تعطیل کرده بودند؟ عرض کردم: بازار کسب و کار آن ها در چنین روز سرد، گرم است. فرمودند: گداها دست از کارشان نکشیدند، ما چرا تعطیل کنیم و گدایی نکنیم؟! (1)

باید مدیران حوزه های علمی، فکری به حال این تعطیلات گسترده حوزه ها بکنند. خوشبختانه برای طلابی که تحت برنامه اند تا پایه ششم تئوری اندیشیده شده و روزهای تحصیلی آن ها بیش از روزهای تحصیل حوزه آزاد است، ولی طلابی که تحت برنامه نیستند، می توانند با برنامه ریزی متناسب از تعطیلات نیز استفاده بهینه کنند. به نظر می رسد، مناسب است مسئولان محترم حوزه ها معارفی را که می بینند برای طلبه ضروری است، مشخص کرده و کتاب های مناسب را نیز معرفی نمایند؛ معارفی همچون تاریخ اسلام، تاریخ ائمه علیهم السلام، تاریخ ایران (به ویژه

مشروطیت)، قواعد فقهی، مباحث رجالی و... آن گاه می توان در پایان تعطیلات از کتب یاد شده امتحان گرفت و در پرونده تحصیلی آن ها درج کرد و از این طریق جلوی هرز رفتن اوقات تعطیل را گرفت.

ص: 28

1- - معرفت نفس، دفتر دوم، ص 223؛ در آسمان معرفت، ص 424؛ نجم الدین، ص 62 و 63.

در پایان، این نکته گفتنی است که نمی توان منکر اصل ضرورت تعطیل مناسب شد؛ زیرا کشش مغزی انسان حدی دارد و برای استفاده بهینه از آن باید به آن استراحت داد. بر این اساس نباید برنامه ریزی تحصیلی به گونه ای باشد که جایی برای استراحت و تفریح باقی نماند که این کاملاً زیانبار و مضر است و چه بسا ایام تحصیل انسان را به تعطیل بکشاند. لذا بزرگان، تلامیذ خود را که بیش از اندازه به تحصیل اشتغال داشتند، دعوت به اعتدال می کردند. آیه الله حسن زاده آملی می گوید: یک وقت حضرت استاد حاج شیخ محمدتقی آملی قدس سره به من فرمودند: آقا این گونه فشرده درس نخوان. می افتی و نمی توانی بلند شوی، یک مقدار به اعتدال درس بخوان. (1) و نیز حضرت استاد شعرانی رحمه الله روزی به من

فرمود: مبدا به سرنوشت ابن اعلم مبتلا- شوی. ابن اعلم (علی بن حسن یا حسین علوی، م 174 یا 370) ریاضی دان و منجم معروف معاصر عضدالدوله دیلمی از کثرت کار و کوشش در تحصیل و تصنیف علوم و فنون، خستگی و ملال دماغی بدو روی آورد، به گونه ای که او را می دیدند با آن همه عشق و علاقه به کتاب، کتاب هایش را یک جا جمع کرده، می خواهد آتش بزند. لذا مرحوم استاد از روی مطایبه به بنده فرمودند: کاری نکنی که به سرنوشت ابن اعلم دچار شوی. (2)

مکتب اسلام، مکتب اعتدال است. اعتدال باید در همه عرصه ها مورد توجه باشد؛ از جمله در عرصه تحصیل و تدریس و تحقیق و پژوهش، که افراط در این زمینه ها خسارات جبران ناپذیری در پی دارد.

ص: 29

1- - نجم الدین، ص 31؛ از مجله حوزه، شماره 21.

2- - هزار و یک کلمه، ج 2، ص 490؛ نجم الدین، ص 103.

اینجانب تفریح مناسب، ورزش و تغذیه مناسب را برای یک طلبه به اندازه تحصیل لازم می دانم تا بتواند در آینده خدمتگزار مناسبی برای اسلام گردد.

3. استاد شایسته

اشاره

سومین جلوه شکر نعمت توفیق تحصیل در حوزه «انتخاب استاد شایسته» است. در مدارس تحت برنامه این مسئولیت به عهده مدیریت و مدیران مدارس است. پیشنهاد بنده درباره این مدارس آن است که سعی کنند برای هر درس حداقل دو یا سه استاد شایسته دعوت کنند و طلاب را در انتخاب آزاد بگذارند تا از این رهگذر هم طلاب انتخاب گری را بیاموزند و هم مدرّسان صالح پروریده شوند. در حوزه آزاد، این انتخاب برعهده خود طلاب است.

عزیزان طلبه در مورد انتخاب استاد باید به چند محور عنایت داشته باشند:

استاد مہذب

استادی که مہذب باشد، نه در شعار، بلکه در عمل؛ همان باشد که حضرت عیسی علیه السلام در مورد هم نشین فرمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«قَالَتِ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يُدَكِّرْكُمْ اللَّهَ -رُؤْيَيْتُهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ يُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ»؛ (1) حواریون (همراهان حضرت عیسی) عرض کردند: ای روح خدا! با چه

ص: 30

کسی هم نشین شویم؟ فرمود: با آن که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.

استاد در همه مراکز آموزشی نقش الگویی دارد و این نقش در حوزه‌ها پررنگ تر و تأثیر گذارتر است. از ویژگی‌های حوزه‌ها، وجود انس روحی و محبت ویژه بین «استاد و شاگرد» است و این تنها محدود به دوره تحصیل نیست. حتی پس از تحصیل تا پایان عمر ادامه دارد. بر این اساس است که باید دقت ویژه در انتخاب استاد داشت، تا مبادا با انتخاب نامناسب، سعادت انسان تباه شود. ذیل آیه 24 سوره عبس «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»؛ «انسان باید به غذای خویش بنگرد» چند روایت از معصومین رسیده است که منظور از طعام، علم و دانشی است که غذای روح انسان است. امام باقر علیه السلام فرمود: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ»⁽¹⁾.

پر واضح است که مقصود ائمه علیهم السلام انحصار نیست، بلکه مراد این است که غذای روح هم از مصادیق «طعام» است که باید دقت کرد تا گزینش سالم داشت.

استاد متخصص

استادی که خود درس را فهمیده و مسلط بر آن باشد. این نکته گفتنی است که مدرّسان محترم باید توجه داشته باشند که دانش پژوهان (چه طلبه و چه غیر طلبه) امانتی در دست آن‌ها هستند. امانتداری شایسته می‌طلبد درسی را که به آن‌ها واگذار شده، دقیق مطالعه کرده، با تسلط کامل در کلاس درس حضور یابند و اگر وجدانا احساس کردند که از عهده

ص: 31

تدریس آن درس بر نمی آیند، آن را نپذیرند.

امانتداری اقتضای آن را دارد که اگر سؤالی توسط دانش پژوهی مطرح شد، دقیق آن را پاسخ گویند و اگر جواب آماده ندارند، بگویند مطالعه می کنم و ان شاءالله پاسخ می گویم! این نشانه ایمان، تقوا و امانتداری استاد است نه بی سوادی او! باید حریم این گونه اساتید را نگه داشت. این نشانه تقوای استاد است که اگر مطلبی را روز قبل نادرست تقریر کرده، روز بعد با کمال شهامت بگوید تقریر دیروز نادرست بود، تقریر درست آن است که امروز می گویم. دوستان طلبه باید این گونه شهامت ها را مورد تکریم قرار دهند. به هر حال آنان باید به این نکته توجه داشته باشند که عمر کالایی نیست که رودربایستی داشته باشد. از این رو نباید استادی را که معتقدند از عهده درس بر نمی آید، گزینش کنند. فقط در مکتب استادی باید زانوزد که علاوه بر تقوا و تعهد از تخصص درسی نیز برخوردار باشد.

استاد انقلابی

استاد باید جانبدار انقلاب بزرگ اسلامی باشد. به نظر این جانب این ویژگی نیز در استاد یک ضرورت است. «انقلاب اسلامی ایران» دینی را که منزوی بود به صحنه آورد، روحانیتی را که پیوسته مورد هتک طاغوتیان بود، در جایگاه راستین خود نشانده. «انقلاب اسلامی» ایرانی را که برده بیگانگان بود، استقلال بخشید و به آنان عزت داد.

«انقلاب اسلامی ایران» بهترین بستر را برای نشر دین و مکتب گسترانید. شکر این نعمت به آن است که همه بزرگان تلاش کنند که این

«انقلاب بزرگ اسلامی» روز به روز پر نشاط تر، کشور را به سمت هر چه بیشتر اسلامی تر شدن پیش ببرد.

شکر نعمت این انقلاب بزرگ، حمایت ناصحانه از آن است.

حمایت ناصحانه یعنی از کارهای خوب تجلیل کردن، تشویق کردن و نقاط ضعف را مورد انتقاد قرار دادن و راه حل عرضه کردن. استادی که «انقلاب اسلامی» را باور کرده باشد، طلابی متعهد می‌پرورد؛ طلابی که پیوسته خون پاک بیش از سیصد هزار شهید قبل و بعد از انقلاب را پیش روی خود دیده، تلاش می‌کنند که حاصل خون آن شهیدان عزیز که نظام دینی است، آسیب نبینند.

در مقابل، استاد بی تفاوت یا ضد انقلاب، طلابی را خواهد پرورید که یا ضد انقلاب اند و یا حداقل بی تفاوت در برابر آرمان بلند شهیدان و این یعنی نمک خوردن و نمکدان شکستن!

این سه ویژگی «تقوا»، «تخصص» و «تعهد به انقلاب اسلامی»، ویژگی‌های لازم یک استاد شایسته است. در این جا توجه دوستان طلبه را به یک نکته جلب می‌کنم و آن این است که در حوزه‌های دینی، تربیت دوطرفه است، یعنی همان گونه که استاد، شاگرد می‌پرورد، شاگردان نقاد نیز استاد می‌پرورند. اگر استادی بی تفاوت بود، شاگردانش می‌توانند با نهایت احترام به او، با زبانی منطقی و استدلالی، او را به سمت جانبداری از انقلاب اسلامی بکشانند و یا اگر استادی مطالعه اندک از درس داشته و در کلاس آمده، شاگردان با اشکالات درسی می‌توانند او را به سوی مطالعه و تعمیق بیشتر بکشانند. مرحوم فخر المحققین (فرزند دانشمند مرحوم علامه حلی)، استاد شهید اول است. او می‌گوید: «آنچه من از این

شاگرد آموختم کمتر از آنچه به او یاد دادم نیست.» بر این اساس به دوستان طلبه سفارش می شود که حرمت استاد را حفظ کرده، بهترین حریم ها را برای او قائل شوند و متعهدانه در درس حضور یابند و تا نقطه ضعفی در هر عرصه ای از استاد دیدند او را منزوی نکنند، بلکه در جهت اصلاح تلاش داشته باشند که این روش خداپسندانه است.

4- هم نشینان صالح

اشاره

انتخاب هم نشینان صالح نیز شکر نعمت «تحصیل در حوزه علمیه» است. در حوزه های علمیه با توجه به سنت پسندیده «مباحثه» این امر اهمیتی ویژه دارد. باید در انتخاب دوست، هم حجه و هم مباحثه دقت کرد. در متون قرآنی و حدیثی تأکید خاصی بر انتخاب هم نشین صالح شده است. این متون فراوان است. عزیزان محقق می توانند ذیل واژه های «اخاء»، «جلس» و «صدیق» در معاجم موضوعی روایی، مثل سفینه البحار و میزان الحکمه این احادیث را بیابند. در این جا تبرکاً و تیمناً برخی از این روایات را می آوریم:

1 - در روایتی آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به ابن مسعود فرمود: «يَا بْنَ مَسْعُودٍ فَلْيَكُنْ جُلَسَاؤُكَ الْاَبْرَارَ وَ اخْوَانِكَ الْاَتْقِيَاءَ وَ الرَّهَادَ، لَانَ اللّٰهَ - تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ: «الْاَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِينَ» (1)». (2)

ای پسر مسعود باید که هم نشینان تو نیکان باشند و برادرانت اهل تقوا و دنیا گریزان! چه آن که خدای تعالی در کتاب خود فرموده است: در آن روز دوستان با یکدیگر دشمن اند مگر اهل تقوا (حریم نگهداران برای

ص: 34

1- - رخرف 43 / 67.

2- - مکارم الاخلاق، ج 2، ص 348.

خدا).

2 - حضرت امام علی علیه السلام فرمود: «جَانِبُوا الْأَشْرَارَ وَجَالِسُوا الْأَخْيَارَ»؛ (1) از بدان دوری کنید و با نیکان بنشینید.

3 - نیز حضرت فرمود: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَاءٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحَضْرَةٌ لِلشَّيْطَانِ»؛ (2) هم نشینی با هوسرانان باعث از یاد رفتن ایمان و حاضر شدن شیطان است.

این سه روایت به عنوان «مشت نمونه خروار» کافی است که اهتمام امامان علیهم السلام به هم نشین صالح را گویا باشد.

امامان سفارش کرده اند که در مباحثه بکوشید که سمت و سوی بحث به سوی دنیا نرود:

«فِي مَنَاهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْمُحَادَثَةِ الَّتِي تَدْعُو إِلَى غَيْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.» (3)

در مناهای پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که آن حضرت از گفت و گویی که به غیر خدای عزوجل فرابخواند نهی فرموده است.

دوستان صالح دست انسان را گرفته تا وسط بهشت می برند؛ همانند حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه، و دوستان ناصالح انسان را تا قعر جهنم می کشانند.

«وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا. لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.» (4)

ص: 35

1- - غررالحکم، حدیث شماره 4746.

2- - نهج البلاغه، خطبه 86.

3- - بحار الانوار، ج 74، ص 194.

4- - فرقان 25 / 27-29.

[او به خاطر بیاور] روزی را که ظالم دست های خویش را از شدت حسرت با دندان می گزد و می گوید ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم! وای بر من! کاش فلاں «شخص گمراه» را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت بعد از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است.

شان نزول آیه یاد شده عبرت آموز است:

«در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو نفر در میان مشرکان به نام عقبه و ابی دوست بودند. هر زمان عقبه از سفر می آمد، غذایی ترتیب می داد و اشراف قومش را دعوت می کرد و در عین حال دوست می داشت به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله برسد؛ هر چند اسلام را نپذیرفته بود. روزی از سفر آمد و طبق معمول ترتیب غذا داد و دوستانش را دعوت کرد. در ضمن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود من از غذای تو نمی خورم تا به وحدانیت خدا و رسالت من شهادت دهی. عقبه شهادتین بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش دوستش «ابی» رسید. او گفت: ای عقبه! از آیینت منحرف شدی؟

عقبه پاسخ داد: نه به خدا سوگند من منحرف نشدم، ولكن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد جز این که شهادتین بگویم. من از این شرم داشتم که او از سر سفره من برخیزد، بی آن که غذا خورده باشد. لذا شهادت دادم!

«ابی» گفت: من هرگز از تو راضی نمی شوم مگر این که در برابر او بایستی و سخت توهین کنی!

عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید و رفیقش «ابی» در جنگ احد کشته شد.»(1)

در حدیثی از نهمین پیشوای بزرگ اسلام حضرت امام جواد علیه السلام می خوانیم:

«إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُومِ يَحْسُنُ مَنْظَرَهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ»؛(2) از هم نشینی بدان بپرهیز که همچون شمشیر برهنه اند؛ ظاهرش زیبا و اثرش زشت است.

هشدار به طلبه ها!

براساس این متون، هر آن کس که خواهان سعادت است باید در انتخاب هم نشین دقت کند تا هم نشینی صالح برگزیند. این نکته برای عزیزان طلبه اهمیت مضاعف دارد. آنان باید به این نکته توجه داشته باشند هم نشینی با دوستانی که فکر و ذکرشان دنیا است، خانه و زندگی است و ریاست است، زیانبار است. نمی گویم نباید به فکر برنامه ریزی زندگی مادی بود، هرگز! ولی برنامه ریزی برای زندگی چیزی است و شیفته دنیا و مظاهر آن بودن چیز دیگر! آفت یک مباحثه این است که پیوسته از متن درس خارج شده، در بحث بگویند: «حوزه آینده ندارد!» «معلوم نیست در آینده چه کاره ایم» و... اولاً گذشته و آینده به دست خداست. ثانیاً ما طلبه نشدیم، تا کاره ای شویم! طلبه شدیم تا خدمتگزار دین باشیم.

ص: 37

1- - تفسیر نمونه، ج 15، ص 68 و 69، به نقل از: مجمع البیان.

2- - بحار الانوار، ج 74، ص 198.

بی شک اگر ما رسم نوکری آقا بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) را به جا آوریم، حضرتش - بعون الله و فضله - بهترین سرنوشت ها را برای ما رقم خواهد زد.

«دنیا زدگی» از جای کوچک شروع می شود. طلبه ای که هنوز در آغاز راه است، اگر دنیازده شد، مطمئناً هر چه بر عمرش بگذرد این بیماری افزایش خواهد یافت و اگر خدای ناکرده این طلبه به جایی رسیده، مسئولیتی پیدا کند، در آن مسئولیت به گونه ای عمل می کند که مایه ننگ روحانیت خواهد شد. پناه بر خدا!

بر این اساس باید حتی از گفت و گوهای دنیاپرستانه پرهیز کرد که این آفتی بزرگ است؛ چنان که آن پیر مهذب، آن عبد صالح خدا، امام راحل عظیم الشان پیوسته خطر دنیازدگی را به روحانیت گوشزد می کرد.

در این جا تنها به یک نصیحت آن سالک الی الله در این باره اشاره می کنیم:

«لازم است خودمان را از لحاظ روحی و از حیث طرز زندگی کامل تر کنیم. باید بیش از پیش پارسا شویم و از حطام دنیا روگردانیم. شما آقایان [خطاب به روحانیون] باید خود را برای حفظ امانت الهی مجهز کنید. امین شوید و دنیا را در نظر خود تنزل دهید. البته نمی توانید مثل حضرت امیر باشید که می فرمود: دنیا در نظر من مثل «عفطه عنز» است، لیکن از حطام دنیا اعراض کنید. نفوس خود را تزکیه کنید. متوجه به حق تعالی شوید. متقی باشید. اگر خدای ناکرده برای این درس می خوانید که فردا به نوایی

5. فدا نکردن درس

اشاره

دیگر تجلی شکر نعمت توفیق تحصیل در حوزه «درس و بحث و تحقیق را فدای زندگی مرفّه نکردن» است. سخن این است که وقتی «درس و تحصیل و پژوهش» را یک تکلیف دیدیم، چه تکلیف کفایی و چه تکلیف عینی (که در گذشته گفتیم در مورد بعضی از طلاب، یعنی طلاب جوان خوش استعداد و خوب عینی دارد) نباید به دلایل واهی، درس را تعطیل کرد. در حالات آیه الله العظمی گلپایگانی آورده اند:

«در آن روزی که به خاطر بیماری ایشان درسش در منزل منعقد شده بود، فرموده بودند با این که الآن چنین مبتلا شده ام، درس را شروع کردم تا نصیحتی باشد برای دیگران که به مجرد عذر بیماری یا غیر آن، درس را تعطیل نکنند؛ زیرا امروز جهان بشریت شدیداً نیازمند عالم و مجتهد داناست.» (2)

بدیهی است داشتن یک زندگی آبرومندانه در حد تأمین نیاز که در روایات از آن به «کفاف» تعبیر شده است، حق طبیعی هر مسلمانی است. عالمان دین از این کل مستثنی نیستند و بحمدالله با تدابیر الهی مقام معظم رهبری (مد ظله) گامی ارزشمند در راستای این مهم برداشته شده. معظم له با تأسیس مرکز خدمات، مسئله بیمه درمانی طلاب، قرض الحسنه، مسکن، بازنشستگی و... را حل کرده اند - و امیدواریم خداوند این علمدار

ص: 39

1- - جهاد نفس، چاپ شده به ضمیمه ولایت فقیه، ص 127.

2- - نوری در ملکوت، ص 49.

مکتب تشیع را در همه عرصه ها از جمله خدمت به حوزه ها و روحانیت بیش از پیش توفیق عنایت فرماید - لکن نکته گفتنی این است که نباید برای به دست آوردن زندگی مرفه اشتغال تحصیلی را فدا کرد که این ناسپاسی محسوب می شود.

سیره سلف صالح روحانیت این بوده که رنج ها، سختی ها و محرومیت ها را به جان می خریدند، تا بتوانند خدمتگزار شایسته ای برای دین و مکتب اهل بیت علیهم السلام باشند.

نابرده رنج گنج میسر نمی شود *** مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

تحمل سختی ها در سیره عالمان دین

مرحوم محدّث قمی از استادش مرحوم محدّث نوری آورده است:

«ملا صالح مازندرانی، این عالم بزرگ و فرهیخته (شارح کتاب اصول کافی) می گفت: من از جانب خداوند بر طلاب علوم دینیّه حجت می باشم، به این علت که هیچ طالب علمی چون من فقیر نبود. مدت زمانی بر من گذشت که وسیله روشنایی جز روشنایی چراغ مستراح برای من فراهم نبود و اما از نظر هوش و حافظه کسی از من کم هوش تر نبود، به حدی که وقتی از منزل خود بیرون می رفتم در مراجعت راه منزل را فراموش می کردم و نیز اسامی فرزندانم را نمی دانستم. در سن سی سالگی به تعلیم حروف تهجی شروع کردم و در اثر کوشش و جدیّت و تلاش فراوان خداوند تبارک و تعالی بر من منتّ گذارد و به من آنچه

در حالات مرحوم آخوند ملامحمدکاظم خراسانی نوشته اند که او گفت:

«چهل سال است نه گوشت خورده ام و نه آرزوی خوردن گوشت داشتم و تنها خوراک من فکر بود و به این زندگی راضی و قانع بودم و هیچ گاه نشد که سخنی یاد کنم که گمان کنند از زندگانی خود ناراضی هستم. پولی برای خرید یک شمع به من می دادند، ولی من در تاریکی زندگی می کردم و آن پول را به فقیرتر از خود می دادم. طلاب هیچ اعتنایی به من نمی کردند مگر معدودی که مثل من بودند. خواب من از شش ساعت تجاوز نمی کرد. بیشتر شب ها بیدار بودم و با ستارگان آسمان مصاحبت و شب زنده داری داشتم. در این احوال به خاطر می گذشت که امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز شب ها را بدین سان می گذرانید. سی سال تمام داغی و گرمی نان تنها نان خورش من بود.»(2)

مرحوم شهید آیه الله اشرفی درباره خاطرات تحصیلی خود می گوید:

«بنده تا درس خارج یک کتاب ملکی از خود نداشتم و غالباً از کتاب هایی که برای تحصیل وقف شده بود، استفاده می کردم. فرش

حجره مان حصیر بود. زمانی که در اصفهان بودم شهریه متداول نبود، ولی به کسانی که درس خارج می خواندند و عائله مند بودند ماهی هشت قران شهریه می دادند. بنده فقط یک بار در هفته چایی می خوردم و شب های

ص: 41

-
- 1- - مردان علم در میدان عمل، ج 2، ص 270، به نقل از: الفوائدالرضویه، ص 545.
 - 2- - مردان علم در میدان عمل، ج 5، ص 73 و ص 74، به نقل از: هزار و یک حدیث تاریخی.

جمعه هم از خُرده برنج ها یک نوبت برنج می پختم و فقط هفته ای یک مرتبه غذای گرم می خوردیم و بقیه اوقات غذای ساده حاضری، مثل پنیر و حلوا بود.»(1)

در حالات مرحوم آیه الله محمدتقی بروجردی، مقرر برجسته دروس مرحوم آفاضیاء نقل کرده اند که ایشان فرمود: وضع زندگی ما در نجف آن قدر بد بود که من عبا را بر سر می کشیدم و از توی کوچه ها کاهو جمع می کردم و می شستم و می خوردم!(2)

نیز در حالات مرحوم آیه الله میرزاعلی ایروانی (صاحب حاشیه بر کفایه) آورده اند که فرمود: در مقطعی از تحصیل خود در حجره مدرسه کازرانی سه روز پی در پی گرسنه بودم و امکان تهیه غذا نداشتم. همین که می خواستم بخوابم، با خود فکر می کردم که اگر رو به قبله بخوابم مشروع خواهد بود زیرا امکان دارد از شدت گرسنگی مرگ را به دنبال آورد.(3)

مرحوم آیه الله شهید سیدعبدالحسین دستغیب نقل فرمود که یکی از اهالی نجف برای من نقل کرد: روزی در بازار حجاجی می کردند. یکی از فضیلائی محترم از مدرسین صاحب عنوان نجف را دیدم آمده و قابلمه ای که زیر بغلش بود بیرون آورد و در معرض حجاج گذاشت. من از یک گوشه ای تماشا می کردم. دیدم این جناب مدرس فاضل قابلمه را داد به حجاجی و گفت حجاج کن. آن هم حجاج کرد و فروخت و پولش را به او داد. آن آقای محترم پول را گرفت و رفت. من خودم را به او رساندم. سلام و احترام کردم. دیدم با کمال بشاشت مثل حالات همیشگی بدون هیچ تغییر

ص: 42

1- - مردان علم در میدان عمل، ج 7، ص 92.

2- - همان، ج 7، ص 90 و 91.

3- - همان، ج 7، ص 110.

حالی با من صحبت کرد. گفتم کار رسیده به جایی که شما قابلمه خانه تان را آورده اید بفروشید؟ خندید و فرمود: هیچ پیشامد سختی نداشتیم. قابلمه را دادم و پولش را می دهم و نان می خرم. طوری نشده است. دو سال استفاده پخت از آن کردیم، امروز هم استفاده نان، بعد هم هر چه خدا داد. (1)

این ها نمونه هایی از سختی های فراوانی بوده که بزرگان در دوره تحصیل در عرصه معیشت داشته اند، ولی هرگز با درس و بحث خداحافظی نکرده اند. امروز قاطعانه می گویم زندگی طلاب آن گونه که در این خاطرات یاد کردیم، نیست. حتی زندگی محروم ترین طلاب هم وضعیت این بزرگان را ندارد. نمی گویم مشکل در زندگی ندارند. این جانب در متن طلاب زندگی می کنم و کاملاً مشکلات را لمس می کنم، اما هرگز به سختی های گذشته نیست. امید که طلاب عزیز جوان به این واقعیت توجه کنند که پول و ثروت و خانه و ماشین جماد است و عقل و علم و تقوا، کمال.

آنچه گفته شد، برخی از جلوه های شکر نعمت توفیق تحصیل در حوزه علمیه بود نه تمام آن. امید که خداوند ما را به شکر نعمت هایش موفق بفرماید.

ص: 43

هدف از تحصیلات حوزوی

هدف از تحصیلات حوزوی چیست؟

هدف آن است که در آیه نقر آمده است: «لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ». (1) هدف از تقفه، آموزش درست همه ابعاد دین و به دنبال آن، «انذار» است.

اولاً، مقصود از تقفه در آیه، معنای محدود مصطلح کنونی نیست، بلکه فراتر از آن است؛ یعنی فهم دقیق همه ابعاد دین.

ثانیاً، مقصود از انذار؛ یعنی ابلاغ دین و ساختن زمینه پذیرش دین.

بنابراین، دایره اهداف حوزه بس وسیع و بزرگ خواهد بود. حوزه هم باید مجتهد پیروراند و هم مبلغ، تا نیازهای فرهنگی نظام مقدس اسلامی را تأمین کند. حوزه مقدسه توان برآوردن این همه را دارد.

آیا نظام آموزشی حوزه و کتاب های درسی موجود، توانسته است هدف تحصیلات حوزوی را برای محصلان تأمین کند؟

نمی توان در این زمینه، پاسخ را به طور مطلق ذکر کرد. از یک سو باید گفت همین نظام آموزشی، بزرگانی همچون امام راحل قدس سره و علامه طباطبایی قدس سره و ده ها چهره افتخارآمیز را پرورانده است. این ها استثنا

ص: 44

نبوده اند، ولی تلاش گسترده آن‌ها در کنار نظام حوزوی، در رشد و بالندگی آن‌ها قطعاً مؤثر بوده است.

از سوی دیگر، با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و تحوّل سریعی که در علوم پدید آمده است و نیز با توجه به هجوم گسترده دشمنان، باید گفت تجدید نظر در نظام آموزشی، به ویژه در کتاب‌های درسی، از بدیهیات است. البته در این تحول، تعمّق و تدقیق یک اصل اساسی است.

نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی حوزه

نقاط قوت و ضعف و احیاناً کاستی نظام آموزشی حوزه چیست؟ و یک نظام آموزشی مطلوب چگونه باید باشد؟

نقطه اساسی قوت نظام آموزشی موجود، در سطح عمومی - نه در مدارس، چون از برنامه‌های آن اطلاع دقیقی ندارم - ملاپروری است. متون آموزشی کنونی کاستی‌های فراوانی دارد، اما این نکته را نمی‌توان انکار کرد که ممارست و تدقیق در متونی چون رسائل و مکاسب و کفایه، انسان را نه تنها در فقه و اصول، بلکه در زمینه‌های دیگر نیز «نقاد» می‌کند و قدرت تجزیه و تحلیل به محقق می‌بخشد. البته این یک بخش نظام آموزشی است و همه نظام آموزشی، متون نیست.

انتخاب آزاد دروس از مزایای ارزشمند این نظام آموزشی است. بعضی این را نقیصه می‌دانند، ولی واقعیت موجود نشان می‌دهد که طلبه، نخست در چند درس شرکت می‌کند و اساتید را می‌سنجد، آن‌گاه انتخاب می‌کند.

بعضی از علوم، در حوزه جایگاهی ندارند. بی‌تردید فقه باید بماند،

اما این دلیل نمی شود که علوم دیگر متروک باشد. چرا در کنار این همه درس های خارج فقه، ده ها درس تفسیر نباشد؟ درس نهج البلاغه، اصول کافی و در اصل درس حدیث شناسی باید به صورت گسترده در حوزه وجود داشته باشد و ما متخصصانی را در این عرصه ها داشته باشیم.

در زمینه اخلاق، بحمدالله درس اخلاق در حوزه هست و بزرگانی عهده دار آن می باشند، ولی لازم است در زمینه اخلاق عملی، متون درسی داشته باشیم.

در زمینه تاریخ و سیره پیامبر و معصومان علیهم السلام هنوز کمبود فراوان است. در زمینه فلسفه، بحمدالله گام های بلندی برداشته شده و برخی از متون فلسفی همانند نهاییه مرحوم علامه طباطبایی متن درسی شده است. در زمینه کلام قدیم و کلام جدید باید کارهای جدی تری صورت گیرد.

به هر حال، در یک کلمه، حوزه تنها «دانشکده فقه» نیست، بلکه دانشگاهی بزرگ با همه گستردگی فرهنگ و معارف اسلامی است.

ارزیابی کتاب های موجود درسی

آیا کتاب های موجود، متون درسی مناسبی هستند؟ اصولاً کتاب درسی مناسب چگونه باید باشد؟

بدون تردید، تحول در این کتب درسی لازم است، ولی هرگز تحول به معنای حذف و نادیده گرفتن نقاط مثبت این کتاب ها نیست.

در دوره ادبیات، باید ما در پی آموزش یک دوره ادبیات عرب قدیم و جدید به طلبه باشیم. در این زمینه مناسب است از آخرین متون درسی ادبیات عرب که در دانشگاه های کشورهای عربی - مثل الازهر - تدریس

می شود، مطلع باشیم و اگر مفید بود، همان ها را متن درسی قرار دهیم. در دوره عمومی ادبیات، باید تنها به آموزش بسیط نظر داشته باشیم نه آموزش اجتهادی. بر این اساس، به نظر می رسد معنی چندان برای طلبه

ضروری نباشد، چرا که متن اجتهادی نحو است. البته بنده بر این باورم که لازم است در حوزه رشته تخصصی ادبیات هم داشته باشیم که تعدادی متخصص در ادبیات باشند و در آن صورت نه تنها معنی، بلکه متون دقیق ادبی دیگر هم باید مطرح شود. در این دوره عنایت ویژه، به مکالمه زبان عربی نیز بایسته است.

درباره اصول، کتاب اصول الفقه را متن مناسبی می دانم، لیکن باید تجدید نظری هم در این کتاب صورت گیرد. اولاً، بخش های زیادی از مباحث اصول عملیه و تمام بحث اجتهاد و تقلید در این کتاب نیست که باید به دست متخصصان فن به همان سبک تألیف شود. ثانیاً، برخی از مطالب کتاب، فوق العاده عمیق و برخی بسیار سطحی است که باید تعدیلی در این زمینه نیز صورت پذیرد.

درباره شرح لمعه باید بگویم انصافاً متن جامع فقهی است که بین

ایجاز و استدلال جمع کرده است. لیکن برخی از مباحث کتاب با آن که ارزش علمی دارد، اما در بین فقها ارزش فقهی ندارد (مثل بحث «منزوحات بئر») و برخی از مباحث نیز اینک موضوع ندارد (مثل کتاب العتق)، ولی از آن جا که این جانب متنی به جامعیت شرح لمعه سراغ ندارم، پیشنهاد می کنم لجنه ای از بزرگان فقها، که سالیان طولانی ممارست در تدریس این کتاب داشته اند، آن را تهذیب کنند و به همان سبک، مباحث فقهی مورد نیازی که باید طلبه فی الجمله از آن ها و مبنای آن ها

مطلع باشد، در کتاب بگنجانند.

درباره مکاسب باید بگویم در تدقیق و تعمق، این کتاب کم نظیر است. هر چند این کتاب به عنوان متن درسی نوشته نشده، لیکن در مجتهدپروری نقش بالایی دارد. مطالب این کتاب، بیشتر درباره کسب و بیع و خیارات است، اما بسیاری از مباحث ارزشمند و عمیق دیگری مثل غنا، غیبت، قمار، اراضی، وقف و احکام صبی، در آن مطرح شده است.

درباره رسائل باید یاد کنم مفاهیم عمیق اصولی از ویژگی های ارزشمند این کتاب است. در این کتاب مباحثی است که متاسفانه خوانده نمی شود؛ به عنوان مثال می توان از بحث «حجیت عقل» و «تقلید در اصول دین» و... نام برد. این کتاب نیز مانند کتاب های دیگر، به تهذیب نیاز دارد.

درباره کفایه باید بگویم ایجاز و دقت در این کتاب موج می زند و انصافاً کتاب درس گرفتنی است، لیکن قطعاً این کتاب نیز به دلایل زیر نیازمند تجدید نظر است.

اولاً، برخی از مباحث اعتقادی که در کفایه مطرح شده، نه جای آن

در بحث اصول است و نه مؤلف درست از عهده بحث برآمده و متاسفانه در برخی موارد سر از نتیجه ای درآورده است که قطعاً خود مرحوم آخوند نه ملترزم به اصل آن است و نه توابع آن؛ به عنوان نمونه بحث «جبر» را می توان نام برد.

ثانیاً، در بعضی از موارد به مباحثی منطقی و فلسفی - مانند تنبیهات مشتق - پرداخته است که هیچ ربطی به اصول ندارد. این گونه مباحث باید از کفایه حذف شود.

در مجموع، معتقدم تا نگارش آثار جدید که ویژگی های مثبت این کتاب ها را داشته باشد، باید طلاب عزیز با دقت همین کتاب ها را بخوانند تا ان شاءالله با اقتدار علمی که پیدا می کنند، زمینه ساز تحول در حوزه باشند.

اصلاح کتاب های درسی

اصلاح - یا تدوین - کتب درسی به دست چه کسانی باید صورت گیرد؟

این امر را به دو لجنه باید واگذار کرد:

1 - لجنه ای مرکب از اساتید متخصص در رشته های مختلف حوزوی که مواد لازم را تهیه کنند.

2 - لجنه ای مرکب از نویسندگان متخصص زبان عربی که مطالب را زیبا تنقیح و تدوین کنند.

آن گاه باید متون جدید، به طور آزمایشی در سطحی محدود تدریس شود و پس از شناسایی نقاط ضعف، در آن ها تجدید نظر شده، سپس به طور عمومی تدریس گردد. مرحوم علامه طباطبایی در تدوین بدایه و نهاییه از همین روش بهره جست. این دو کتاب، ابتدا تایپ و توزیع شد و شاگردان برجسته ایشان، کتاب را در مدرسه حقانی تدریس کردند، آن گاه به این صورت چاپ و منتشر شد.

گروهی معتقدند پیچیدگی و تعقید کتاب های درسی حوزوی، باعث

رشد علمی و تبحر طلاب می شود و در صورتی که کتاب ها با استفاده از روش های امروزی تدوین شوند، حوزه، از ژرف اندیشی و عمق، تهی خواهد شد.

ص: 49

پیچیدگی و تعقید، دانشمندپرور نیست، بلکه عمق متن است که خواننده کتاب را مدقق بار می آورد. من معتقدم متن آموزشی باید علاوه بر گویایی، عمیق هم باشد.

متأسفانه در حال حاضر، در حوزه بهای لازم به علوم اسلامی غیر از فقه و اصول داده نمی شود و این دروس نتوانسته اند جایگاه خود را در حوزه بیابند و به رغم آن که به عنوان دروس عمومی مشخص شده اند، به آن ها توجه کافی نمی شود. برای رفع این مشکل چه باید کرد؟

همین که بحمدالله مدیریت حوزه این دروس را مطرح کرده، گامی به سوی موفقیت است. اما راز عدم توجه کافی به این دروس این است که هنوز در نظام ارزشی حوزه، این دروس جایگاه شایسته خود را نیافته اند. فی المثل در ارائه جزوه در مدارج علمی، فقط محور، فقه و اصول است و اگر طلبه ای در این دو رشته چندان برجستگی نداشته باشد، اما در تفسیر و تاریخ و دیگر رشته های اسلامی صاحب نظر بوده، یا تالیفاتی داشته باشد، آن امتیاز بایسته را ندارد.

تخصصی شدن علوم حوزوی

نظر جناب عالی درباره تخصصی شدن علوم حوزوی به خصوص ابواب فقه برای حفظ غنای آن چیست؟ و گرایش های تخصصی را از چه دوره ای باید آغاز کرد؟ آیا برای همه گرایش های تخصصی، تحصیل دروس حوزه تا پایان سطح لازم است؟

با توجه به نیازهای گسترده امروز جامعه اسلامی و محدودیت عمر،

در ضرورت و نیاز به تخصصی شدن علوم اسلامی شکی نیست. امروز برای دنیا، مسئله تخصص در علوم، امری بدیهی است. علوم اسلامی مانند فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، کلام و... که هر کدام دریای ناپیداگرانه اند، برای استفاده بهینه از این علوم، راهی جز رو آوردن به تخصص در این زمینه ها نداریم.

رشته های تخصصی باید بعد از پایان یک دوره عمومی، که در آن، طالب علوم دینی یک دوره ادبیات، منطق، معانی و بیان، فقه، اصول، فلسفه، کلام، رجال و درایه را گذرانده، در نظر گرفته شود.

رشته های تخصصی

چه رشته های تخصصی در حوزه باید ایجاد شود و آیا تحصیل علوم

انسانی را در حوزه لازم می دانید؟

رشته های تخصصی موجود (تفسیر، کلام و تبلیغ) گام های مثبتی در این زمینه اند، لیکن سخنم این است که در رشته های تخصصی، بیش از آنچه برای طلبه درس می گذاریم، باید او را راهنمایی کنیم، دست او را بگیریم تا خود تحقیق کند و استاد نظارت داشته باشد. البته این امر، هم فراغت بال بیشتری برای شرکت کنندگان می طلبد و هم برای مدرّسان و اساتید این رشته ها.

رشته های تخصصی که باید به وجود آیند عبارت اند از:

1 - فقه

2 - تاریخ و سیره

3 - ادبیات

ص: 51

درباره علوم انسانی باید بگویم، بحث در این علوم، از شئون رشته تخصصی تبلیغ است که موادی هم اکنون در این رشته تدریس می شود.

موضوعات مستحدثه

آیا حوزه ها امروز از موضوعات مستحدثه آگاهی و شناخت کافی و صحیحی دارند، تا بتوانند نظریات اسلام را با استفاده از متون و منابع ارزشمند فقه شیعی بیان کنند؟ و راه حل این مشکل چیست؟

در متن سؤال، این پیش فرض مسلّم گرفته شده که حوزه ها از موضوعات مسائل مستحدثه شناخت کافی ندارند و این به عنوان یک مشکل فرض شده و راه حل خواسته شده است. من این پیش فرض را به دلایل زیر قبول ندارم:

اولاً، تخصص در موضوعات برای فقیه نه ممکن است و نه چنین چیزی از فقیه خواسته شده است. چگونه ممکن است بگوئیم باید فقیه در ده ها موضوع سیاسی، فرهنگی، طبی و... متخصص باشد؟ چنین چیزی معقول نیست. بنابراین، فقیه در زمینه موضوعات، به خبره فن رجوع می کند و با تشخیص موضوع، از این راه به بیان حکم خدا می پردازد.

ثانیاً، این همه فتاوی که در مسائل مستحدثه از فقهای حوزه (حفظهم الله) صادر می شود، فتوای به غیر علم نیست، بلکه این ها موضوع را شناخته، آن گاه فتوا صادر کرده اند. بنابراین، نمی توان عدم شناخت موضوعات مسائل مستحدثه را از مشکلات حوزه به حساب آورد.

برای رشد و تکامل فقاہت (شیوہ های استنباط) چه باید کرد؟

راه حل همان است که امام فرمود: فقه سنتی، فقه جواهری، لیکن با افزودن عنصری که حضرت امام قدس سره پیوسته بر آن تاکید داشتند و آن توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد است که نقش بسیار مهمی در اثبات زنده بودن مکتب اسلام دارد. نکته ای که این جانب آن را باور دارم این است که در استنباط باید اسلام را به عنوان مجموعه ای دید که عهده دار اداره زندگی انسان ها تا روز قیامت است؛ همان که امام قدس سره فرمود: «فقه

تئوری زندگی از ولادت تا وفات است». با این بینش، چه بسا در مواردی فراوان، استنباط ها متفاوت گردد.

چرا حوزه ها امروز از قافله زمان عقب ترند، حال آن که در گذشته چنین نبوده است؟

نباید از موفقیت حوزه ها در عرصه های مختلف چشم پوشید، ولی اگر عقب ماندگی احساس می شود معلول چند نکته است:

1 - پیشرفت سریع بشر در تمامی زمینه ها و قهرا مطرح شدن نیازها و مشکلات فراوان فرهنگی.

2 - عدم برنامه ریزی کلان برای حوزه و ناشناخته ماندن استعدادها.

3 - اشتغال برخی از چهره های مؤثر حوزوی در مسئولیت های اجرایی به حسب ضرورت و نیاز.

این ها برخی از عوامل مشکل یاد شده است، ولی باز تاکید می کنم که نباید خدمات حوزه ها به ویژه حوزه علمیه قم را با توجه به مشکلات

شیوه های پاسخ گویی حوزه به نیازها

برای آن که حوزه های علمیه بتوانند وظیفه خود را در پاسخ گویی به نیازهای عالم در تمامی زمینه ها انجام دهند، چه باید کرد؟

باید:

الف) نیازها را شناخت؛

ب) برنامه ریزی مناسب برای برطرف کردن آن ها صورت داد؛

ج) استعدادهای مناسب را شناسایی کرد، تا خدای ناکرده این استعدادهای ارزشمند هدر نرود.

آیا حوزه توانسته است پاسخ گوی هجده ها و شبهه های کلامی،

اعتقادی که امروز بر اسلام وارد می شود باشد؟

در حدی که بزرگان گذشته ما در این زمینه ها موفق بوده اند، حوزه های امروزی موفق نیستند. هر چند گام های مثبتی در این زمینه برداشته شده، ولی قطعاً باید حوزه ها تا دیر نشده، قوی و مستدل وارد این میدان ها شده، نه تنها پاسخ گوی شبهات باشند، بلکه تهاجمی عمل کرده و پیش از آن که شبهه ای مطرح شود پاسخ آن را داشته باشند و با طرح عمیق مسائل اعتقادی کلامی، ریشه شبهات را بخشکانند.

روش های گوناگون تبلیغی

آیا توانسته ایم از ابزار و روش های گوناگون تبلیغی بهره برداری کنیم و

پیام اسلام را به جهانیان برسانیم و به دفاع از حریم اسلام برخیزیم و اعتقاد مسلمین را بارورتر کنیم؟

متأسفانه باید بگویم نه، باید حوزه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی حداکثر استفاده را در ترویج اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بنماید. گفتنی است، حضور چهره های حوزوی در صدا و سیما مایه فخر حوزه و خدمت است، اما این کار فردی است نه حوزوی. بنده ناچیز این پیشنهاد را بارها مطرح کرده ام، حداقل این است که باید در رأس گروه های معارف اسلامی صدا و سیما یک چهره برجسته مورد قبول بزرگان و زعمای حوزه باشد و او با تشکیل گروه های کارشناسی، خوراک دینی مردم را در سطح بالا عرضه کند.

ناگفته نگذارم، اینک در حوزه، کامپیوتر بازار گرمی یافته و در فنون مختلف از این ابزار استفاده می شود.

چه باید کرد تا حوزه ها همواره از آخرین تحولات فکری، فلسفی و اعتقادی جهان، آگاه شوند و با آمادگی کامل و قبل از گسترش عقاید و تفکرات فاسد، به جواب گویی آنان برخیزند؟

باید حوزه ها به ویژه حوزه علمیه قم مرتبط با کانون های بزرگ فرهنگی باشند و مبادله اطلاعات کنند. مناسب است مدیریت حوزه زمینه ایجاد این ارتباط را فراهم کرده و هیأت هایی مرکب از نخبگان حوزه را برای بازدید از مراکز دینی - فرهنگی دنیا، مانند واتیکان، الازهر و... اعزام کند، تا از تجربه های آن ها مطلع شده و در صورت مفید بودن،

ص: 55

مورد استفاده قرار دهد. مولا علی علیه السلام فرمود:

«الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَاطْلُبُوهَا وَ لَوْ عِنْدَ الْمُشْرِكِ ؛ تَكُونُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلِيهَا». (1)

ص: 56

1- - بحار الانوار، ج78، ص34.

بخش سوم: نگاهی به تحصیل در حوزه های علوم دینی

نگاهی به تحصیل در حوزه های علوم دینی

این بخش نگاهی دارد به شیوه و مدت تحصیل در حوزه های علوم دینی که در سه موضوع مورد بحث قرار می گیرد:

1- برای چه بخوانیم؟ در این فصل، از مهم ترین شرط تحصیل علوم الهی (خلوص نیت) سخن گفته ایم.

2- چه بخوانیم؟ در این فصل، علوم مورد نیازی که طلاب علوم دینی لازم است در تحصیل آن سخت بکوشند، مورد بحث قرار گرفته است.

3- چگونه بخوانیم؟ در این فصل، درباره شیوه درس خواندن، مباحثه، تدریس، و نیز درباره استفاده از نوار درسی و زیان ها و فواید آن سخن به میان آمده است.

برای چه بخوانیم؟

تحصیل علوم دینی در حوزه های علمیه از سبک و روش خاصی برخوردار است که در برخی موارد روش آن با تحصیل علوم جدید در دانشگاه ها و مراکز علمی دیگر تا حدودی متفاوت است. توضیح آن که در علوم دینی قبل از آن که طالب یا به اصطلاح معروف «طلبه» مشغول به

تحصیل شود، اولین نکته ای را که کتاب های درسی و استاد به او تذکر می دهد، ایجاد خلوص نیت است.

خلوص نیت یعنی طالب علم، تحصیل را فقط برای رضای خدا و اهداف الهی - مانند ارشاد مردم، احیای معارف اسلامی و خدمت به جامعه - انجام دهد.

در مدارس و حوزه های علوم دینی به طالب گوشزد می شود، آن گاه تحصیلش ارزش دارد که آن را برای خدا انجام دهد و این عمل مقدس را به شائبه های نفسانی و اغراض دنیوی چون کسب مال، و جاه و مقام و شهرت و تفاخر و تکبر، آلوده نسازد، وگرنه در دنیا و آخرت از زیانکارترین مردمان خواهد بود. مهم ترین نکته ای که طالب علم باید به آن توجه داشته باشد این است که اگر در علوم دینی، «اللّه» مطرح نباشد این دروس همانند پیکری بی روح است.

اگر محصل علوم دینی وظیفه خود را فراگیری چند اصطلاح و واژه بدانند و همگام با تحصیل علم به خلوص نیت پردازد، هر اندازه که بر علم او افزوده گردد، فاصله میان او و میان حضرت حق بیشتر خواهد شد، این جاست که علم حتی اگر علم توحید هم باشد «حجاب اکبر» خواهد بود، و مسلماً عالمی که نیت خود را اصلاح نکرده باشد، عامل به علم خود نخواهد بود و در نتیجه فساد چنین عالمی، عالمی را فراخواهد گرفت.

این مهم در کلمات نورانی معصومین فراوان مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته است. اینک به روایاتی چند در مدح خلوص نیت در تحصیل

علم و نکوهش دخالت دادن اغراض دنیوی و مادی در آن، اشاره می شود:

1. در مدح خلوص نیت، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که آن

حضرت فرمود:

« مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَمِلَ بِهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعِيَ فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ

عَظِيمًا، فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ. » (1)

هر که برای خدا علم بیاموزد و بدان عمل کند و به دیگران بیاموزد در مقام های بلند آسمان ها عظیمش خوانند و گویند: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد.

2. در نکوهش آلوده کردن تحصیل علم به اغراض مادی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است:

« مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يَتَّبِعِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ غَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. » (2)

اگر کسی در طریق علم و دانش اندوزی که سزاوار است فقط برای خدا آن را کسب کند، هدف دیگری را جست و جو کند و علم را فقط به خاطر اغراض دنیوی بیاموزد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

و نیز در روایات کسانی که علم را برای اهداف ذیل بیاموزند، مورد

نکوهش قرار گرفته اند:

الف - مباحات و فخر فروشی؛

ب - ستیزه جویی با دیگران؛

ص: 59

1- اصول کافی، ج 1، ص 47.

2- بحار الانوار، ج 2، ص 38.

ج - جلب توجه دیگران؛

د - رسیدن به مال و ثروت؛

ه - وصول به مقامات دنیوی (مقام، شهرت، ریاست و...)

و - ساختن پلی برای رسیدن به اهداف مادی. (1)

البته شایان ذکر است که خلوص نیت، شرط اساسی انسانیت و تحصیل کمال در هر کار و در هر علمی است، ولی این مهم در علوم دینی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

طالب علم باید کاملاً مراقب خود باشد که از آغاز تا پایان کار مبادا شیطان در نیت او راه پیدا کرده، و در نتیجه او را به وادی ضلالت اندازد.

دام های شیطان همیشه شکل خاصی ندارد، باید با زیرکی و فراست دام های شیطان را که مسلماً برای طالب علوم الهی، مخفی تر و ظریف تر است، شناخت و آن ها را گسست.

طالب علم باید خود را بیازماید. اگر وی در مباحثه با دوست خود می بیند که حس تفوق طلبی و برتری جویی دارد و یا از پیشرفت هم درس خود محزون و از محبوبیت وی در بین مردم ناراحت است، باید در اولین

قدم، خود را اصلاح کند که تاخیر در این مهم، آفات بسیاری در پی دارد.

نیز اگر طالب علم به خاطر چند صباح تحصیل، توقع اکرام ویژه و عنایت فراوان از مردم را دارد، باید در خلوص نیت خود تشکیک کند. البته بر مردم است که برای ارج نهادن به ارزش والای علوم الهی، طالبان علوم دینی را گرمی دارند، ولی این بدان معنی نیست که طالب علوم دینی

ص: 60

باید توقع اکرام داشته باشد.

امید آن که خداوند توفیق خلوص نیت و تلاش برای رضای خدا را به همه ما عنایت فرماید.

در پایان از باب حسن ختام، بخشی از رهنمودهای امام امت قدس سره را که بحق آیت خلوص و تهذیب نفس بود، خطاب به طلاب علوم دینی می آوریم:

«اگر بنا باشد حبّ دنیا و حبّ نفس بر شما غلبه کند و نگذارد حقایق و واقعیات را درک کنید و عمل خود را برای خدا خالص گردانید... در خسران قرار گرفته اید، «خسر الدنيا و الآخرة» هستید؛ زیرا جوانی را داده اید، از نعمت های جنّت و مزایای اخروی نیز محروم مانده اید و دنیا هم ندارید.

اگر برای خدا قدم بردارید خداوند متعال، مقلب القلوب است. دل ها را به شما متوجه می سازد... شما در راه خدا زحمت بکشید، فداکاری کنید، خداوند شما را بی اجر نمی گذارد. اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد.

دنیا چیزی نیست. این هیاهوها و شخصیت ها چند روز دیگر به پایان می رسد و مانند خوابی از جلو چشم انسان می گذرد، لکن اجر اخروی لایتنهای و تمام نشدنی خواهد بود... خداوند متعال، روحانیون اسلام را به وظایف سنگین و مسئولیت های خطیر آنان در عصر کنونی آگاه و آشنا سازد و به نسل جوان روحانی و دانشگاهی و به عموم مسلمانان توفیق

ص: 61

چه بخوانیم؟

از آن جا که عالمان دینی باید پاسخ گوی تمامی مسائلی باشند که درباره مذهب مورد پرس و جو قرار می گیرد، ضرورت دارد آنان که همیشه مرزبانان حماسه جاوید اسلام بوده اند، همانند سلف صالح خود، در علوم اسلامی تبحر پیدا کرده، با شیوه های مناسب با مقتضیات زمان، در تبیین و تعلیم و نشر معارف اسلام همت گمارند.

گوشه ای از آن علوم عبارت اند از:

1 - اصول عقاید

2 - علوم قرآنی و تفسیر

3 - اصول فقه و مبانی استنباط فقه اسلامی

4 - فقه اسلام

5 - منطق و فلسفه

6 - علم الحدیث (رجال و درایه)

7 - تاریخ اسلام (پیامبر، ائمه معصومین و...)

8 - ادبیات عرب

البته عالمان آگاه اسلام به آگاهی ها و علوم دیگری همچون آشنایی با مسائل سیاسی و.. نیز نیاز دارند، لیکن در این نوشتار، مقصود بحثی کوتاه درباره علوم متداول حوزوی می باشد.

اینک درباره برخی از موارد یاد شده سخنی کوتاه تقدیم می داریم:

ص: 62

اصول عقاید در میان معارف و احکام اسلام نقش بنیادین دارد. اگر مجموعه آیین مقدس و حیات بخش اسلام را به درختی تشبیه کنیم، باید بگوییم اصول عقاید نقش ریشه و دیگر احکام و معارف اسلامی نقش شاخه و برگ را دارند.

اصولاً اساس تمام جهت گیری های انسان در زندگی، عقاید و باورهای اوست. قرآن کریم می فرماید:

«قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»؛ (1) بگو هر کس بنا بر طبیعت و ذات خود عمل می کند.

آنچه شکل و شاکله و هیأت باطنی و نفسانی انسان را می سازد، عقاید صحیح و مطابق با واقع انسان است که زندگی او را در مسیر صحیح قرار می دهد و اگر نادرست و خلاف واقع باشد، مسیر زندگی به بیراهه

می افتد. از این رو اسلام بیش از هر چیز به تصحیح عقیده انسان اهمیت می دهد.

مباحث عقیدتی از دیدگاه اسلام در صدر همه مباحث اسلامی است و نمی توان یکی از مکتب های جهان را یافت که همانند اسلام برای عقیده انسان، اهمیت و ارزش و احترام قائل باشد.

بدین سان بر هر مسلمانی بایسته و شایسته است که به این وظیفه مهم توجه نماید و درصدد کسب اعتقادات صحیح اسلامی برآید، تا اعمال و رفتار وی منطبق بر آیین مقدس اسلام باشد و در نتیجه وسیله سعادت دنیا

ص: 63

و آخرت را برای خود فراهم آورد. بر این اساس، طبق فتوای تمام فقها عقیده مسلمان در اصول دین باید از روی یقین باشد. برخی از آنان، تقلید در اصول اعتقادات را حرام می دانند، لیکن یقین نیز مستلزم دانستن استدلالی مسائل اعتقادی است؛ اگر چه به نحو بسیط باشد. این وظیفه بیش از همه بر دوش حوزه های علمیه سنگینی می کند؛ چرا که عالمان دینی و طالبان معارف الهی علاوه بر مسئولیت آموختن عقاید اسلامی، رسالت سنگین و مهم تعلیم و نشر اعتقادات دینی را نیز بر عهده دارند.

حوزه های دینی از آن جهت که پاسدار فکر و اندیشه اسلامی هستند باید سنگرداران قوی و استوار جهان بینی الهی باشند. علمای بزرگ شیعه همواره آماده پاسخ گویی به تمامی مسائل عقیدتی بودند؛ لذا همواره خود را آماده رفع شبهات گوناگون فکری بیگانگان می کردند.

کوشش کلامی شیخ مفید

به عنوان نمونه، عالم جلیل القدر و فقیه گرانمایه و بزرگ عالم تشیع، مرحوم شیخ مفید (رضوان الله تعالی علیه) کتاب های بسیاری در باب مسائل اعتقادی نگاشته است که در آن ها به آخرین شبهات القا شده توسط مخالفان و منحرفان پاسخ گفته است.

برای نمونه به چند کتاب عقیدتی این عالم جلیل اشاره می کنیم:

1- النکت الاعتقادیه

2- الفصول المختاره

3- شرح عقاید شیخ صدوق

4- الافصاح

ص: 64

بدین سان ملاحظه می شود که فقیه بزرگی چون شیخ مفید بیشترین همت خود را مصروف دفاع از اعتقادات اسلام و شیعه می نماید. حوزه های علمیه و روحانیت اسلام به ویژه طالبان علوم دینی باید پاسخ گوی مسائل اعتقادی فراوانی که متوجه اسلام است، باشند و چهره واقعی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را به جهان تشنه واقعیت و به تنگ آمده از مکتب های الحادی بنمایانند و اگر در انجام این مسئولیت اندکی سستی به خرج دهند، دشمنان اسلام که اکنون بیشترین تلاش های خود را در

مخدوش جلوه دادن اسلام قرار داده اند، ضربه های جبران ناپذیری بر پیکر اسلام و مسلمانان خواهند زد.

در این راستا لازم است طالب علوم دینی، ابتدا به شبهاتی که پیرامون اسلام مطرح است آگاهی عمیق (نه سطحی) پیدا کند. آن گاه باید بعد از آگاهی از شبهات خود را آماده پاسخ گویی نماید. البته پاسخ گویی عمیق و ژرف به این سؤالات نیاز به این دارد که در حوزه ها مسائل فکری، عقلی و فلسفی بیش از این مورد توجه قرار گیرد.

باید به همان اندازه که در حوزه ها به فقه و اصول توجه می شود (که توجه شایسته و بایسته ای است)، به مسائل عقلی نیز عنایت ویژه ای مبذول گردد؛ چرا که فقه در فرهنگ قرآن، محدود به تعمق در خصوص احکام فرعی نیست، بلکه فقه عبارت است از آگاهی عمیق از تمامی ابعاد

دین که از جمله اساسی ترین ارکان آن، اعتقادات است.

باید در حوزه های دینی بسیج گسترده ای برای تدوین و تهذیب کتب اعتقادی که بتواند متن درسی حوزوی باشد صورت گیرد، به گونه ای که طالب علوم دینی از آغاز که شروع به تحصیل علوم طلبگی می کند، در کنار دروس دیگر حتماً درس اعتقادی داشته باشد. البته به همت شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم این امر اکنون در حال اجرا است؛ هر چند هنوز باید برای یافتن متون جامع تلاش گسترده ای صورت گیرد.

احیای برخی آثار کلامی در حوزه

کتاب ها و متون اعتقادی که در حوزه ها تدریس می شود، باید دوباره

احیا گردد. در این رابطه چند پیشنهاد در مورد متون اعتقادی حوزوی تقدیم می گردد:

شرح باب حادی عشر: متن آن از علامه حلی و شرح آن از مرحوم فاضل مقداد می باشد؛ حاوی یک دوره اصول عقاید و کتابی است ارزشمند؛ هر چند این کتاب به تهذیب نیاز دارد؛ زیرا بعضی از مسائلی که در آن مطرح شده، در پاسخ به شبهاتی بوده است که دیگر امروزه مطرح نیست.

بنابراین مناسب است با حذف این گونه مطالب، مسائلی که امروزه ضرورت عرضه کردن آن احساس می شود و مسائل کلام جدید به طور فشرده و رسا به همان سبک موجود در کتاب (قال - اقول) آورده شود. امید که این مهم توسط بزرگان دلسوز و مرزبانان تفکر شیعی انجام پذیرد.

شرح تجرید: متن آن از مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی و شرح آن

از مرحوم علامه حلی است؛ از جمله متون درسی گذشته حوزه هاست که متأسفانه هم اکنون در حوزه ها چندان مطرح نیست. جا دارد این کتاب نیز مورد عنایت بزرگان قرار گیرد، به خصوص که در آن، مباحث امامت (که بحث زیربنایی اعتقادی تشیع است) به نحو مبسوط بیان شده است. در اصل، انگیزه مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی از تدوین کتاب تجرید، مطرح کردن بحث امامت در علم کلام بوده است که تا آن روز جدا از آن محسوب می شد. ناگفته نماند فقیه و متکلم ارزشمند آیه الله سبحانی کتاب چهار جلدی الهیات را به عنوان کتاب درسی حوزه ها در حوزه

مباحث اعتقادی نگاشته اند. سعی ایشان مشکور باد؛ اما در عین حال احیای کلام به سبک قدما می تواند به تفکر اسلامی در حوزه مباحث اعتقادی (به ویژه در مباحث امامت) کمکی ارزشمند نماید.

شرح منظومه و نهاییه: شایسته است درباره الهیات بالمعنی الاخص از شرح منظومه، نهاییه الحکمه و جلد ششم اسفار ملاصدرا و دیگر کتاب های فلسفی و عرفانی نیز بیشتر استفاده شود. (چنان که استفاده می شود، لیکن توقع این است در عصری که بحمدالله در سایه رهبری امام بزرگوار، اسلام حیات مجدد یافته و ضرورت بیشتری به این گونه مسائل احساس می شود، به این متون و مانند آن ها بهای مناسب داده شود).

علوم قرآنی و تفسیر

دومین علمی که لازم است حوزه های دینی به آن عنایت گسترده ای مبذول دارند، علوم قرآنی و تفسیر است.

قرآن، معجزه جاوید پیامبر بزرگ اسلام است که از آغاز تاکنون

تحدی کرده (و مبارز طلبیده)، ولی هنوز بشر نتوانسته است همانند آن را بیاورد. قرآن کریم تنها کتاب آسمانی و نسخه شفابخش بیماری های جوامع بشری، و یگانه منبعی است که از دستبرد تحریف محفوظ مانده و خواهد ماند؛ چنان که فرمود:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ (1) ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.

بدین سان باید این کتاب، کتاب اصلی در تمامی جوامع علمی و فرهنگی ما باشد، چرا که اساس فرهنگ اسلام برگرفته از این کتاب مقدس است. با کمی دقت در علوم اسلامی همانند فقه، اصول و حتی ادبیات عرب در می یابیم که این علوم، ابزار و مقدمه ای برای فهم کتاب خدا می باشند.

باید اذعان کنیم تا دیروز قرآن در کشور ما غریب بود و با حيله های دشمنان توطئه گر و دوستان ناآگاه این کتاب سرنوشت و سازنده، نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان و... نداشت و کتابی که باید راهنمای زندگی و هادی جوامع انسانی باشد از صحنه جامعه و زندگی خارج شده و توسط منحرفان، تفسیر به رأی می شد، ولی بحمدالله امروز به برکت پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری مفسر بزرگ قرآن امام خمینی قدس سره، قوانین قرآنی در رأس امور قرار گرفته و ندای بازگشت به قرآن در روح و جان امت دمیده شده است. اینک جهان در پی آن است که این کتاب زندگی، تحرک، جوشش و خروش را دوباره بازشناسد. نسل انقلابی ما

ص: 68

تشنه فهم معارف نورانی قرآن است و این نیازها، مسئولیت حوزه های دینی را دو چندان می کند.

بحمدالله تاکنون حوزه های علمیه در زمینه قرآن کریم تا آن جا که توان داشته اند، انجام وظیفه کرده اند. علمای گذشته شیعه همت فراوانی را مبذول فهم این کتاب عزیز و انتقال آن به آیندگان داشته اند. تفاسیر شریف التبیان از مرحوم شیخ الطائفه شیخ طوسی در ده جلد، مجمع البیان در پنج

جلد و تفسیر صافی در پنج جلد، گوشه ای از این تلاش های گسترده است. در دهه های اخیر نیز در حوزه های دینی تلاشی در خور تحسین در رابطه با قرآن به چشم می خورد که شاخص ترین نمونه آن، تفسیر المیزان است که باید بحق آن را از مفاخر تفاسیر عصر حاضر بنامیم. علاوه بر آن بزرگان و اساتید حاضر حوزه های علوم دینی نیز همچنان این تلاش گسترده را ادامه می دهند. امروز بحمدالله در حوزه، دروس تفسیر ارزشمندی دائر است.

هشت پیشنهاد قرآنی به شورای مدیریت: شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم برای آشنایی طلاب حوزه با تفسیر، تفسیر جوامع الجامع مرحوم طبرسی را که از متون موجز، پرمحتوا و غنی تفسیری است جزء متون درسی قرار داده است، ولی باید اذعان کرد که با این همه تلاش، همچنان باید خود را در پیشگاه قرآن مدیون بدانیم، چرا که قرآن حق حیات بر همه مسلمانان به خصوص حوزه ها دارد. بر این اساس پیشنهادهایی تقدیم حوزه های دینی می گردد:

1- در دروس ادبیات تجدید نظر شده به جای شاهد آوردن از اشعار جاهلیت، از کتاب خدا شاهد بیاورند؛ چرا که کتاب خدا در اوج فصاحت

و بلاغت، بلکه محور فصاحت و بلاغت است. این مهم در کتاب مغنی اللیب صورت گرفته. معروف است که می گویند به چند جزء قرآن کریم در این کتاب استناد شده است و در چاپ تحریر و تهذیب شده مبادی العربیه نیز این مهم صورت گرفته است.

2- برای تقویت بنیه ادبی طلابی که مشغول تحصیل ادبیات هستند، درسی با عنوان تجزیه و ترکیب قرآن گذارده شود و عزیزان طلبه بدانند در صورتی بر ادبیات عرب مسلط خواهند شد که بتوانند قواعدی را که آموخته اند بر کتاب خدا و روایات اهل بیت عصمت و طهارت خصوصاً نهج البلاغه تطبیق نمایند.

3- مسئله حفظ قرآن از آغاز میان مسلمانان به عنوان یک ارزش مطرح بوده است. یکی از مفاخر شهدای کربلا این است که برخی از آنان حافظ قرآن بوده اند. باید این ارزش با تشویق بزرگان و زعمای حوزه احیا گردد. جای خوشوقتی است که در حوزه های علوم دینی این حرکت آغاز شده است.

4- هر چند برای طلاب مبتدی درس تفسیر مقداری سنگین به نظر می رسد، اما مناسب است برای آمادگی در تفسیر، در سال های اول تحصیل کلیدهای فهم قرآن و تفسیر قرآن به شیوه ترجمه لغات به عنوان درس اصلی در هفته یک یا چند ساعت ارائه شود.

5 - عزیزان طلبه باید بدانند که از جمله ضروریات یک محصل، آشنایی با علوم قرآن است؛ همانند آشنایی با ترتیب نزول قرآن، تفسیر و شیوه های تفسیری، طبقات مفسران، مباحث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و شناخت سور مکی و مدنی و ده ها بحث دیگر. این مهم در

کتاب های مختلفی از جمله در کتاب التمهید فی علوم القرآن انجام گرفته

است که اینک یکی از متون درس های جنبی حوزه علمیه قم می باشد.

6- باید درس تفسیر که در علوم اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، همانند دروس فقهی و اصولی حوزه که در تمامی ساعات روز دائر است، در تمامی ساعات درسی مطرح باشد. در این جا از بزرگان حوزه، (آن ها که توان بیان آیات الهی و تفسیر آن را دارند) دردمندانه تقاضا می کنم دامن همت به کمر زده، وارد این میدان شوند و انجام این امر مهم را برعهده گیرند.

7- به فرموده مفسر بزرگ شیعه مرحوم علامه طباطبایی قرآن کریم آن چنان عمیق است که پیوسته باید برای آن تفسیری نو نوشت. در روایت است از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیده شد: «مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزِدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالذُّرْسِ إِلَّا عَضَاظَةً؟»؛ چه سری است که قرآن هر چه بیشتر منتشر شده و مورد بحث قرار گیرد بر تازگی و طراوت آن افزوده می شود؟

حضرت فرمود: «لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (1)

چون خدای تبارک و تعالی آن را تنها برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده است. از این رو در هر زمانی و برای هر مردمی تا روز قیامت تازه و باطراوت است.

بنابر این مناسب است بزرگان حوزه پیوسته تلاش شایسته ای برای

ص: 71

این کتاب الهی مبدول دارند، تا بتوانیم همچنان المیزان ها را به دنیا عرضه

کنیم.

8 - مناسب است نشست های پربار قرآنی در کشور شکل گرفته و پژوهشگران در موضوعات خاص قرآنی تحقیق کنند و سپس آن را در سطوح گوناگون و از طرق مختلف (از جمله صدا و سیمای جمهوری اسلامی) عرضه کنند. بجاست حوزه عهده دار این امر شود و با همکاری تمام نهادهای فرهنگی مسئول، نشست های حساب شده، منظم و هدایت شده تحت عنوان «قرآن شناسی» شکل بگیرد.

علم فقه

الف - ضرورت تحصیل فقه: احکام اسلام در حقیقت مجموعه قوانین فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جزایی و... است که تمامی انسان ها برای رسیدن به «حیات طیبه» به آن سخت نیازمندند؛ زیرا تمامی قوانین اسلام بر اساس فطرت انسانی بنا نهاده شده است (1) و تنها این گونه قوانین است که به زندگی معنا داده و آدمی را به هدف حیات که همانا معرفت حضرت حق و عبادت اوست، می رساند.

آیین مقدس اسلام با این قوانین زنده، دین همیشه انسان ها است و می تواند تمامی نیازهای بشر را در ابعاد مختلف تامین نماید و چنان که پیامبر بزرگوار اسلام خاتم پیامبران است، دین او نیز خاتم ادیان است.

1- - فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا روم (30 / 30). درباره استدلال به این آیه می توان گفت که تمامی دین فطری و بر اساس فطرت انسانی بنا نهاده شده است.

خود را که دارای زمینه تحصیل علوم دینی (طلبه شدن) هستند، تشویق نموده و به عنوان یک تکلیف آن ها را به حوزه های علوم دینی گسیل دارند؛ چرا که همان گونه که کشور اسلامی نیاز به متخصصان در تمامی ابعاد مورد نیاز زندگی دارد و تربیت آن ها نیز یک واجب کفایی به عهده امت اسلام است، به همین ترتیب پرورش متخصصین علوم دینی نیز یک فریضه مهم، بلکه به مراتب مهم تر از تربیت متخصصان در علوم دیگر است؛ زیرا که در علوم دیگر بشری اگر خدای ناکرده محتاج شدیم، می شود آن ها را از کشورهای دیگر جذب کرد، اما در مورد علوم دینی اگر خدای نخواستہ کوتاهی بشود و ما نتوانیم متخصصانی فقیه و اسلام شناس برای جامعه تربیت کنیم، این ضربه ای بزرگ خواهد بود که هیچ گاه جبران نمی پذیرد.

به علاوه آن که امروز تمام جهان اسلام و محرومین که تشنه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و فقه زندگی ساز آن هستند چشم به حوزه های علمی و ملت مسلمان ما دوخته اند و منتظرند از چشمه جوشان معرفت حوزه های دینی سیراب گردند.»⁽¹⁾

ج - نکته ها و پیشنهادهایی پیرامون فقه: پس از روشن شدن ضرورت تحصیل فقه در حوزه های علوم دینی و بسیج امت اسلام برای گسترش

بینش فقهی و علمی، اینک پیشنهادهایی تقدیم حوزه های علوم دینی به خصوص حوزه مبارکه علمیه قم می شود:

1 - به نظر می رسد قبل از شروع در تحصیل شرح لمعه که اولین کتاب

ص: 74

1- - منشور روحانیت پیام امام به روحانیون.

فقهی درسی طلاب است، کتابی دیگر که حاوی یک دوره فقه فشرده اسلام باشد، متن درسی قرار گیرد تا زمینه برای کتاب نفیس شرح لمعه که یک دوره فقه استدلالی فشرده است، فراهم شود. در گذشته نه چندان دور در حوزه های علوم دینی ابتدا شرایع الاحکام مرحوم محقق حلی و یا تبصره المتعلمین مرحوم علامه حلی تدریس می شد و سپس شرح لمعه می خواندند و این شیوه، سنت بسیار مناسبی بود؛ زیرا به این ترتیب با بصیرت بیشتری شرح لمعه را می خواندند. البته امروز نیز در حوزه ها قبل از تدریس و فراگیری لمعه، رساله های عملیه فارسی و عربی مراجع تدریس می گردد، لیکن این رساله ها در این بُعدی که گفتیم (دوره فقه فشرده) جای دو کتاب فقهی مذکور را نمی گیرد. بنابراین امید است در برنامه ریزی های حوزه، بزرگان و مدرّسان گرامی به این مهم توجه کنند.

2 - به نظر نویسنده این سطور، تمامی کتب نفیس شرح لمعه خواندنی و درس گرفتنی است. این را بدان جهت می گوئیم که در بین عده ای قبل از انقلاب این مطلب مطرح بود که کتاب های «حدود»، «دیات»، «قصاص» و «فضاء» خواندنی نیست! چرا که قابل اجرا نیست و قهراً قابل ابتلا نمی باشد، پس باید حذف گردد!

ولی بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی که زمینه اجرای این احکام

فراهم آمد، این کتاب ها نیز از غربت خارج شد، به گونه ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از اساتید درس خارج این سه کتاب را درس خود قرار داده و آن ها را مورد نقد و بررسی عالمانه خود قرار دادند؛ فَشَّكَرَ اللَّهُ مَسَاعِيَهُمْ. اکنون به این بهانه که بعضی از مسائل مبتلا به نیست بعضی کتاب ها همانند «کتاب العتق» ناخوانده می ماند، ولی شایان

تذکر است که خواندن آن‌ها نیز برای کسب معلومات عمومی، در آن زمینه‌ها ضروری است. به هر حال دو کتاب لمعه و شرح آن، متونی هستند عمیق و پرمحتوا و نورانی و سطر سطر آن خواندنی است؛ زیرا هم نویسنده لمعه و هم شارح آن در صدد مطرح کردن فقه شیعه با استدلال فشرده بودند. علاوه بر آن که این کتاب از نورانیت مخصوصی برخوردار است؛ چرا که نویسنده متن لمعه (شهید اول) و شارح آن (شهید ثانی) این دو کتاب را با قلم اخلاص و شهادت نگاشته‌اند و همین اخلاص و شهادت، راز جاودانگی این دو کتاب است.

3- تاکید پیوسته و همیشگی حضرت امام قدس سره در مورد تحصیل فقه،

سفارش به تحصیل «فقه سنتی» و «فقه جواهری» بوده است. حضرت امام امت قدس سره در فرازهایی از سخنان گهربار خود فرموده‌اند:

«... من باز عرض می‌کنم که فقه را نباید فراموش کرد. فقه به همان صورتی که بوده است، باید باشد. «فقه جواهری» باید تقویت شود. باید حوزه‌ها وقت وافرشان را صرف فقه و اصول و مباحثه کنند، زیرا در رأس دروس است...»⁽¹⁾

«فقه سنتی» و «فقه جواهری» در حقیقت عبارت است از «تحقیق در مسائل به همان سبکی که پیشینیان از فقها تحقیق می‌کردند؛ یعنی دقت و تعمیق» (در آیات، روایات، مراجعه به اقوال فقهای خاصه و عامه). و نیز این خصوصیت که یک فقیه باید در تحقیقش خود را از هر گونه پیشداوری در مسائل خالی کند. به عبارت دیگر به همان بیان که تفسیر به

ص: 76

1- - از فرمایشات حضرت امام قدس سره، در تاریخ 3/7/62.

رأی ضربه به قرآن کریم است، به کار بردن تفسیر به رأی در استنباط مسائل فقهی نیز بسیار زیانبار است و در حقیقت نابودی فقه است و این خطری بوده است که پیوسته امام عزیز قدس سره نیز بر آن تاکید فروان داشته اند آن جا که فرموده اند:

«ممکن است اشخاص بگویند که باید فقه تازه ای درست کرد که این آغاز هلاکت حوزه است. آن چیزی که برای حوزه مضر است، این است که ما این فقه را به نحوی که به دست ما رسیده به نسل آینده تحویل ندهیم.»⁽¹⁾

البته این نکته نیز گفتنی است که معنای فقه سنتی این نیست که فقط مسائلی که در گذشته مطرح می کردند، پیوسته همان ها مورد بحث قرار گیرد، بلکه معنای آن این است که حتی مسائل جدیدی که جامعه اسلامی بلکه جوامع بشری با آن مواجه است، به همان سبک و متدی که فقهای سلف داشتند مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

ما مدعی هستیم و عمیقاً بر این باوریم که فقه سنتی اسلام همواره پویا و متحرک و زنده است و همین فقه سنتی است که می تواند با بهره گیری از منابع زلال و سرچشمه های لایزال وحی، نبوت و ولایت راه حل های متناسب با زمان و مکان را در همه زمینه ها و مشکلات ارائه دهد و همه نظام های کنونی جهان را دگرگون سازد.

بر این اساس است که فقه سنتی، پویا نیز هست و توانایی حل همه حوادث واقع همراه با زمان را دارد؛ لذا تقسیم بندی فقه به «سنتی و پویا»

ص: 77

بی معنا و بی اساس است.

در سخنی امام امت قدس سره فرموده اند:

«اما در مورد روش تحصیل و تحقیق در حوزه ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام، پویا نیست. زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند... فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.»⁽¹⁾

4- هر چه زمان پیش می رود، این باور که علوم اسلامی نیز همانند دیگر علوم، به تخصصی شدن نیاز دارد تقویت می شود؛ آن چنان که بسیاری از بزرگان و فقها بر آن تاکید دارند. امروز پرواضح است که تسلط یک فقیه با این عمر محدود و مشکلات فراوان اجتماعی، بر تمامی ابواب گسترده فقه با رشته های گوناگون و مسائل مستحدثه، امری شبه محال

است (هر چند فقیه با به دست آوردن قدرت استنباط توان شناگری در تمامی ابواب فقه را خواهد داشت، لیکن با این عمر محدود، فرصت آن را نخواهد یافت) و همین، دلیل ضرورت بیشتر تخصص در ابواب فقه است. ما می بینیم فقیه بزرگی مثل مرحوم حاج آقا رضا همدانی (رضوان الله علیه) با تحقیق عمیق در کتاب های «طهارت و صلات» به تصدیق بعضی از فقها، از عمق بیشتری حتی از کتاب طهارت و صلات صاحب جواهر برخوردار می گردد. البته این به معنای کم ارزش جلوه دادن تحقیقات عمیق و شگفت انگیز مرحوم صاحب جواهر نیست که آن بی نیاز از

ص: 78

تعریف است، بلکه بدین معناست که تخصص در یک مسئله جایگاه ویژه خود را دارد.

بنابراین چه اشکال دارد که امروز نیز بعضی از فقها دامن همت به کمر زده، با تحقیق و عمق بیشتر در مسائل فقهی کتاب هایی به عمق کتاب های صلات و طهارت حاج آقا رضا همدانی در ابواب «قضاء»، «شهادت»، «حدود»، «دیات»، «قصاص» و دیگر مسائل سیاسی و اقتصادی اسلام تدوین کنند. البته همان گونه که متذکر شدیم این گونه مباحث در حوزه مبارکه قم مطرح شده و اساتید معظم درس خارج فقه آن ها را برای شاگردان خود بیان می کنند.

چگونه بخوانیم؟

از جمله مسائلی که در حوزه های علوم دینی مطرح است و تقریباً

می توان گفت در برخی جهات از ویژگی های حوزه های علوم دینی به شمار می رود، شیوه تحصیلی است. در حوزه های علوم دینی سه عنصر، استخوان بندی اساسی تحصیل را تشکیل می دهند. این سه عنصر عبارت اند از:

1- تحصیل؛

2- مباحثه؛

3- تدریس؛

طلاب علوم دینی معمولاً این سه را در کنار همدیگر قرار می دهند. طلبه علوم دینی بعد از آن که از محضر استاد استفاده کرد، مطالبی را که از استاد شنیده با دوستش (هم مباحثه) در میان گذاشته، گفته های استاد را

ص: 79

مورد نقد و بررسی قرار می دهند و آن گاه که از مرحله ای فارغ شد، خود می تواند مرحله پایین تر را تدریس کند و تجربه نشان داده است که این شیوه از جمله مفیدترین و مؤثرترین شیوه های آموزشی است. اینک نکاتی را درباره سه موضوع یاد شده تقدیم می داریم:

آداب مطالعه و تحصیل

1- از آن جا که طلاب علوم دینی تمامی معلومات خود را مقدمه و زمینه برای فهم کتاب الهی و سنت معصومین علیهم السلام - که تشکیل دهنده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله - است، می دانند، تحصیل طلبه از آغاز رنگ معنویت به خود می گیرد. بدین جهت اساتید بزرگ به شاگردانشان توصیه

می کردند که با طهارت در کلاس حاضر شوند؛ چرا که طهارت ظاهری (با وضو بودن) سبب طهارت باطن گشته، زمینه ساز تلقی (دریافت) معارف الهی می گردد.

بنابراین اولین نکته در مورد درس خواندن، توصیه به با طهارت بودن در کلاس درس است که این امر نقش بزرگی نیز در تلقی معارف الهی دارد.

2- برای موفقیت در فهم درس، عمل به سیره علمای گذشته درباره «پیش مطالعه» ضرورت دارد. پیش مطالعه یعنی مطالعه کردن درسی که می خواهند از محضر استاد بیاموزند، قبل از حضور در کلاس. از علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) نقل شده است که گفته اند: «من به هیچ درسی نرفتم مگر آن که قبل از درس آن را مطالعه کرده و با هر زحمتی بود،

پیش مطالعه نقش ارزنده ای در فهم مطالب درس دارد؛ چرا که در این صورت با محتوای درس بیگانه نیست و حتی در مواردی ممکن است در فهم مطالب از استاد نیز پیشی گیرد.

3- در تمامی دروس بایستی مقدمات و اساس آن را محکم بنا نهاد تا نتیجه مطلوب از آن به دست آید. به خصوص این امر در دروس طلبگی از حساسیت ویژه ای برخوردار است. تمامی دروس را باید با کمال دقت و موشکافی پیگیری کرد. حتی نباید راضی شد که یک سطر از کتاب را ناخوانده گذاشت. به خصوص در این جا به عزیزان طلبه ای که مشغول

خواندن ادبیات هستند، توصیه می شود که بکوشند و این درس ها را متین و با دقت بخوانند؛ چون فهم کتاب خدا و معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام بر آن توقف دارد.

4- از ارکان اساسی درس، انتخاب استاد است. استاد نقش اساسی در سازندگی اخلاق و روحیه دانش آموز دارد. بدین جهت پیوسته بزرگان در مورد انتخاب استاد توصیه به دقت در انتخاب آن کرده و همواره سفارش می کردند که استادی مهذب برگزینند. باید استادی را برگزید که:

الف: باتقوا، مهذب و وفادار به انقلاب شکوهمند اسلامی بوده، طرفدار نظام اسلامی باشد.

ب: مسلط بر درس بوده، خود مطالب درس را هضم کرده و فهمیده باشد.

ج: در بیان مطالب از قدرت و توانایی برخوردار باشد که البته در این جهت سلیقه ها مختلف است.

یکی از محاسن همیشه حوزه ها همین بوده است که طلاب در انتخاب استاد آزاد می باشند، لکن باید توجه کرد که وقتی انسان با بصیرت استادی را برگزید، لازم است استقامت کرده، از تعویض استاد درس پرهیز کند؛ چون این عمل سبب عدم تکمیل درس و در نتیجه پراکندگی در دروس می گردد. در این جا به عزیزان طلبه توصیه می کنم که بیش از آنچه بر علم استاد تکیه دارند، بر تقوا و وارستگی و اخلاق استاد عنایت کنند که حتی حرکات و سکنات استاد نیز در روحيات محصل مؤثر است.

5- از جمله عوامل موفقیت در فهم درس، دقت و استماع به سخنان استاد است. محصل وقتی در کلاس درس حاضر می شود، باید هر فکری بجز فهم درس و هر مشکل دیگری را فراموش کرده و تنها، تمام حواسش را مصروف فهم درس سازد.

آفات تحصیل

1- سطحی خوانی: از آفات تحصیل این است که هدف محصل اتمام کتاب باشد نه تنها فهم آن؛ چنان که آفت امروز بعضی از محافل آموزشی «مدرک گرایی» شده است. محصلان باید تمام همت شان را بر بالا بردن کیفیت دروس بگذارند نه کمیت آن ها. آن چنان که قرآن عزیز به کیفیت، بیش از کمیت بها می دهد و سستی در این امر، آفت موفقیت است.

2- شتاب زدگی: آفت دیگر این که هنوز محصل از کتابی فارغ نشده و آن را به خوبی به انجام نرسانده است، به کتاب دیگری اشتغال پیدا کند. این امر سبب می شود که طلاب استحکام لازم را در درس به دست نیاورده، در نتیجه در تار و پود تحصیلشان خلل ایجاد شود.

3- مسامحه از حضور در کلاس: آفت دیگر تحصیل، عدم حضور یا سهل انگاری نسبت به حضور در کلاس درس و اعتماد بر شروح و حواشی در فهم درس است. این امر سبب کندی ذهن و فکر شده، نتیجه طبیعی آن سطحی بار آمدن و کاهش عمق علمی است.

پس اولاً باید در کلاس درس حضور پیدا کرد و اذعان داشت هرگز شروح و حواشی کتب نمی تواند جای حضور در کلاس درس را بگیرد.

ثانیاً، باید در برخورد با مشکلات علمی با تفکر و تعمق بیشتر به حل آن پرداخت و در صورت بقای مشکل با بحث و پرسش از استاد آن را حل کرد.

4- استفاده از نوار: آفت دیگر برای تحصیل آن است که به نوار درس اکتفا شود و محصل از حضور در کلاس درس خودداری کند، در حالی که فضای حاکم بر کلاس، خود عاملی مؤثر در فهم درس می باشد.

بلی! در جایی که برای تحصیل - به علت برخی از ضرورت ها - دسترسی به استاد نباشد و طلبه در منطقه ای مشغول خدمت باشد و یا به هر دلیل دیگری نتواند در درسی شرکت کند، استفاده از نوار در حد ضرورت بی فایده نیست.

سنت مباحثه و آداب آن

1- فواید مباحثه: مباحثه شیوه ای فوق العاده ارزشمند است که علاوه بر کمک به فهم درس، فواید فراوان دیگری نیز دارد؛ از جمله: «تسلط بر تفهیم مطلب»، «نحوه برخورد با تفکر مخالف»، «سعه صدر و تحمل مخالف» و «قدرت بر نقد و بررسی مطالب».

2- ویژگی‌های هم‌مباحثه خوب: برای یک مباحثه موفق باید در پی هم‌بحث واجد شرایط بود. شاخصه‌های یک هم‌مباحثه خوب عبارت‌اند از:

الف: شایستگی اخلاقی و تعهد به اسلام و انقلاب اسلامی؛

ب: نظم و حضور به موقع در جلسه مباحثه؛

ج: تلاش و پشتکار که این خود مشوقی برای دوست خواهد بود؛

د: شایستگی علمی.

اگر چه در بین این ویژگی‌ها شایستگی اخلاقی جایگاه خاصی دارد و باید آن را محور گزینش هم‌بحث قرار داد؛ زیرا دوست نقش اساسی در تربیت و رشد یا سقوط انسان دارد. آن‌چنان‌که از قرآن شریف استفاده می‌شود، علت جهنمی شدن بعضی افراد هم‌نشینی و دوستی با افراد ناصالح بوده است؛⁽¹⁾ اما در مورد شایستگی علمی باید حتی الامکان با کسی مباحثه کرد که از انسان «افضل» باشد. البته برادرانی که از استعداد بیشتری برخوردارند باید افراد ضعیف را مورد عنایت قرار داده و با بحث با آن‌ها در آنچه خداوند به آن‌ها روزی کرده، اتفاق نمایند که از مصادیق مهم رزق الهی، «علم و استعداد» است.

3- هدف از مباحثه: در بحث باید برای طرفین، «حق و روشن شدن آن» مطرح باشد نه «بر مسند نشستن» حرف این و آن. این محور اساسی بحث آزاد در اسلام است که باید حق را شناخت و طرفدار آن بود.

این‌که کسی بگوید نظری را چون من گفته‌ام - هرچند باطل است -

ص: 84

1- - فرقان 27/25 - 29، انعام (6)/68-69، زخرف (43)/38-67، صافات (37)/51 و 55، فصلت (41)/25؛ میزان الحکمه، ج 5، ص 294-315، کلمه صدیق.

باید مورد قبول قرار گیرد و آن را محور حب و بغض قرار دهد، در روایات ما «أَذْنَى الشَّرْكِ»، (پایین ترین مرحله شرک) نامیده شده است. (1)

4- پرهیز از مجادله: باید در بحث از «مراء و جدال» یعنی گفت و گوهای بی ثمری که جز کینه و کدورت فایده دیگری ندارد، خودداری کرد. در روایتی از امیر مومنان علی علیه السلام می خوانیم:

«إِيَّاكُمْ وَالْمِرَاءَ وَالْخُصُومَةَ، فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْأَخْوَانِ

وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفَاقُ»؛ (2) از مجادله و ستیزه پرهیزید که دل های دوستان و برادران را بیمار کنند و نفاق رویانند (زیرا سلامتی دل به صفا و صمیمیت است و بیماری اش به کینه و اندوه و پریشانی خاطر که از ستیزه برخیزد و دوستان را از یکدیگر دور کند). همین که به اندازه کافی بحث شد و هیچ یک از طرفین حاضر به پذیرش حرف دیگری نشد، باید بحث را قطع کرد و آن را از کسی که مورد قبول طرفین است، پرسید.

آداب تدریس

1- تعلیم همگام با تعلم: تدریس در حوزه های علوم دینی همراه با تحصیل است؛ یعنی طلبه در همان حال که محصل است، نسبت به درس پایین تر مدرس است و این روش نقش ارزنده ای در استحکام مبانی علمی وی دارد. بر این اساس بزرگان پیوسته به طلاب توصیه می کردند که همگام با تحصیل حتماً به تدریس نیز اشتغال داشته باشند.

2- شاگرد، امانتی نزد استاد: مدرّس باید محصّلاًنی را که در کلاس

ص: 85

1- - اصول کافی، ج 4، باب الشَّرْكِ، حدیث اول و دوم.

2- - همان، ج 3، ص 409، باب المراء و الخصومه و معاده الرجال، حدیث اول / ص 44.

درس حاضر می شوند، امانتی الهی دانسته، خود امانتدار شایسته ای

باشد؛ یعنی باید برای آن درسی که تدریس آن را به عهده گرفته است وقت گذاشته، با دقت مطالعه کند و جوانب آن را بررسی کند و آن گاه در کلاس درس حاضر شود و نیز باید با نظم و پشتکار، مربی محصلان در این جهت باشد.

3- فروتنی استاد با شاگرد: مدرّس باید به شخصیت محصّـلان احترام گذارده، از اهانت به آنان بپرهیزد. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ تَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَ الْوَقَارِ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ

الْعِلْمَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بِأَطْلَکُمْ بِحَقِّكُمْ.» (1)

دانش آموزید و آن را با خویشتن داری و سنگینی بیارابید و نسبت به دانش آموزان تواضع کنید و نسبت به استاد خود فروتن باشید و از علمای متکبر مباشید که رفتار باطلتان حق شما را ضایع کند.

4- تدریس تدریجی: تدریس همانند تحصیل باید «پایه به پایه» و به تدریج صورت گیرد. مدرّسی که به تدریج پیش نرفته، بخواهد در آغاز از دروس سطح بالا شروع کند قهرا مدرّس ناموفقی خواهد بود. مدرّسان موفق کسانی بوده اند که از ابتدا شروع کرده، به تدریج دروس بالاتر را تدریس کرده اند.

5- همه چیز مقدمه است: در پایان متذکر می شویم که درس و بحث و تدریس همگی مقدمه برای فهم اسلام و آن هم مقدمه عمل به آن و ترویج

ص: 86

1- - اصول کافی، باب صفة العلماء، حدیث اول.

و خدمت به اسلام است. ما باید خود را همیشه یک سرباز فداکار اسلام بدانیم و همانند امام عزیز قدس سره مرد وظیفه بوده، در هر سنگری که وارد می شویم محکم و استوار، خدمتگزار اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله باشیم.

راز موفقیت حوزه های علوم دینی

ابتدا باید بدانیم که موفقیت حوزه های علمیه در چیست؟ آن گاه به این بحث پردازیم که راز دستیابی به آن چه می باشد؟

باید اذعان کرد که نقش حوزه ها در طول تاریخ پرافتخار تشیع، همواره نشر و گسترش فرهنگ اصیل اسلام بوده است.

حوزه های علمی پیوسته سنگردار فرهنگ خونین تشیع بوده اند و عالمان فداکار شیعه آن چنان که در سنگر مبارزه قهرمانانی نستوه بوده اند، در سنگر فرهنگ نیز عالمانی پرتلاش، سخت کوش و دقیق بوده اند که نمونه زنده آن، آثار ارزشمند و متنوعی است که در علوم و فنون مختلف، همانند تفسیر، حدیث، فقه، اصول، فلسفه، منطق و... از آنان به یادگار مانده است و به راستی که ما امروز وامدار آن همه تلاش ها و کوشش ها و فداکاری های خستگی ناپذیر هستیم. حضرت امام خمینی قدس سره که بحق حیات مجددی به حوزه های علمیه داد، در فرازی نورانی از پیام تاریخی خود به روحانیت فرموده اند:

«اگر فقهای عزیز نبودند معلوم نبود امروز چه علمی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل البیت علیهم السلام به خورد توده ها داده بودند.

گردآوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر

بزرگوار و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و تثبیت و تبویب و تنقیح آنان در

شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب بابرکتی همچون کتب اربعه و کتاب های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال و تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته های متنوع علوم مشاهده می کنیم. اگر نام این زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟»⁽¹⁾

حوزه های علوم دینی امروز نیز در همان سنگر هستند و باید مرزبان همان حماسه های جاوید باشند. امروز دنیا تشنه فرهنگ زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و این حوزه ها هستند که باید تشنگان معارف الهی را سیراب کنند.

حوزه های علمیه خصوصاً حوزه مبارکه قم به منزله «بانک مرکزی فرهنگ اصیل اسلام» می باشند که تامین کننده و پشتوانه قوی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین موفقیت حوزه ها در این است که بتوانند همانند دیگر حوزه های علمی تشیع در طول تاریخ بزرگانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و امام خمینی رحمه الله را پیروانند و برای رسیدن به این مقصد بلند باید با بررسی در رموز موفقیت حوزه های علوم دینی تشیع، راه رسیدن به اهداف گفته شده را دریابیم.

نخستین و موفق ترین حوزه علمیه جهان تشیع

این مطلب شایان ذکر است که اولین حوزه بسیار گسترده شیعی،

ص: 88

1- - پیام سرنوشت ساز امام قدس سره به روحانیون و مراجع بزرگوار اسلام، تاریخ 3/12/67.

حوزه علمیه ای بود که امام باقر و امام صادق علیهما السلام با استفاده از فرصتی که به خاطر درگیری های بنی امیه و بنی عباس یافته بودند، بنا نهادند که امروزه فرهنگ تشیع و اسلام از آثار و برکات آن حوزه علمیه است.

حوزه علمیه ای که به راستی نمونه یک حوزه فعال و پرتحرک از هر جهت بود و با این که دشمنان تلاش گسترده ای برای از هم پاشیدن آن داشتند، ولی با تدبیر الهی و اتخاذ سیاست دقیق از سوی این دو امام بزرگوار، این حوزه مدت مدیدی عمر فرهنگی و سیاسی خود را ادامه داد و نقش حیاتی و مهم خویش را به خوبی ایفا کرد و به راستی باید حوزه امام باقر و امام صادق علیهما السلام را موفق ترین حوزه های تشیع در طول تاریخ

نامید.

عوامل موفقیت های حوزه امام صادق علیه السلام

در نگاهی گذرا درمی یابیم که عوامل چندی در موفقیت این حوزه نقش داشته اند:

1- برخورداری از بنیه نیرومند علمی: چرا که سرپرستی و مدیریت آن با دو امامی است که چشمه معارف الهی هستند و این دو امام تلاش وافر داشتند که چهره های متخصص را در علوم مختلف؛ یعنی علومی که مورد نیاز جهان اسلام است تربیت کنند.

شخصی می گوید: وارد مسجد شدم تا با امام صادق علیه السلام در علوم

مختلف مناظره کنم، ولی امام در مورد هر علمی مرا به شاگردان متخصص خود ارجاع می داد و آن ها نیز به خوبی از عهده برمی آمدند. (1)

ص: 89

امامان بزرگوار ما با باز کردن «باب اجتهاد و استنباط احکام»، دوستان شان را به تعمق و تفکر و استقلال فکری سوق می دادند و به یاران شان می فرمودند که ما فقط اصول را بر شما القا می کنیم و بر شماست از این اصول، احکام دین را استنباط کنید. (1)

2- برخورداری از بنیه اخلاقی و معنوی: تهذیب نفس، درس نخست حوزه امام صادق علیه السلام بوده است. یاران ائمه علیهم السلام در همان حالی که از جهت علمی بسیار قوی و نیرومند بودند، در بعد اخلاقی، نمونه و ضرب المثل بودند، تا جایی که حتی در میان اهل سنت نیز وقتی می خواستند میزان تقوا و تعهد کسی را تعیین کنند او را با یکی از یاران امام علیه السلام مقایسه می کردند؛ برای نمونه، می گفتند تقوای او همانند تقوای «محمد بن ابی محمد» است.

ائمه معصومین علیهم السلام پیوسته دوستان شان را به اخلاق و آداب الهی توصیه می کردند؛ از جمله این توصیه ها، توصیه بسیار جالبی است که امام صادق علیه السلام در ضمن نامه ای به دوستان شان نوشتند و به آن ها سفارش کردند که پیوسته به این نامه توجه داشته باشند و به آن عمل کنند. بخشی از موضوعات اخلاقی که امام علیه السلام توصیه کرده اند، عبارت اند از:

وقار، حیا و پاکدامنی، برخورد اسلامی با مردم، دوستی و دشمنی برای خدا، تسلیم در برابر حضرت حق، استقامت در مسیر حق، دوری و کناره گیری از هوی و هوس، یاد خدا، اجتناب از محارم الهی، در کنار محرومان و مستضعفان بودن، حمایت از مظلومان و... (2)

ص: 90

1- - وسائل الشیعه، ج 18، ص 41.

2- - معادن الحکمه فی مکاتیب الائم، ص 75.

این ها بخشی از توصیه هایی است که در این نامه بسیار جالب، امام علیه السلام به دوستان شان دارند.

به همه عزیزان طلبه سفارش می کنیم این نامه امام را به دقت بخوانند.

3- موضع گیری در برابر ظلم: موضع گیری مخالف در برابر دستگاه ظلم و استقلال حوزه علمیه امام صادق علیه السلام از غاصبان خلافت و حکومت، بنی عباس را واداشت که برای وابسته کردن این حوزه به خود دست به تلاش گسترده ای بزنند، اما ناکام ماندند. منصور به امام صادق علیه السلام نوشت:

«چرا پیش ما نمی آیی تا ما را نصیحت کنی؟»

امام فرمود: کسی که دنبال دنیا باشد تو را نصیحت نمی کند و کسی که در پی آخرت باشد، هم نشین تو نمی شود.»

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«فقها امانتدار پیامبران هستند، مادامی که به دنیاپرستی روی نیاورده اند. اگر دیدید فقها هم نشین سلاطین شده اند از آنان بپرهیزید و

آنان را امانتداران دین تان به حساب نیاورید.»⁽¹⁾

البته این نکته گفتنی است که امامان شیعه پیوسته در پی تشکیل حکومت اسلامی بودند و در این مسیر همواره در ستیز با خلفای غاصب بودند و اگر ائمه ما موفق به تشکیل حکومت می شدند، بهترین دوستان شان را در رأس کارهای اجرایی حکومت می گماردند. به عبارت

ص: 91

صریح می‌گوییم که همکاری با حکومت اسلامی در حقیقت اولین وظیفه اساسی علمای دین است؛ چرا که آنان متولیان دین هستند و حکومت اسلامی فلسفه عملی تمام ابعاد دین است. بنابراین وظیفه انقلابی امروز حوزه، در کنار حکومت اسلامی بودن و دفاع از آن می‌باشد.

4- محوریت قرآن و سنت: در همان زمانی که در محیط فرهنگی آن روز جهان اسلام رأی و قیاس و استحسان‌های شخصی بازار گرمی داشت، ائمه‌علیهم‌السلام پیشگامان بازگشت به قرآن و سنت نبوی بودند و همین امر این حوزه را از جاذبیت ویژه‌ای برخوردار کرده بود؛ چرا که قرآن و سنت زبان فطرت است و زبان فطرت، دارای جلوه‌ای خاص می‌باشد.

5- مردمی بودن حوزه امام صادق علیه‌السلام: امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام به

گونه‌ای این حوزه عظیم را پی‌ریزی کردند که هرگز دشمنان قادر به متلاشی کردن آن نباشند. امامان ما حوزه را به میان اقشار مختلف جامعه گسترانیده بودند. این که در میان روایات ما نام‌هایی مانند: تمّار (خرمافروش)، خبّاز (نانوا)، حنّاط (گندم‌فروش)، حذاء (کفاش) و تاجر و

عطار می‌بینیم، نشان دهنده گسترش حوزه در میان تمامی اقشار مختلف آن روز جامعه است.

ائمه‌علیهم‌السلام این چنین یاران شان را برمی‌گزیدند و آن‌گاه آنان را به مناطق مختلف آن روز جهان اسلام گسیل می‌داشتند، تا جایی که نقل می‌کنند چهار هزار نفر از امام صادق علیه‌السلام روایت نقل کرده‌اند. (1)

از طرفی آنان برای حفظ نیروهای کیفی، تلاش و تدبیر گسترده‌ای

ص: 92

داشتند. گاه برای حفظ بعضی از چهره های درخشان از یاران شان آن ها را زیر سؤال می بردند و مورد انتقاد قرار می دادند تا خلفای غاصب آنان را از یاران امام صادق علیه السلام نپندارند و در نتیجه یاران حضرت بتوانند در محیطی آرام و بی دردسر به گسترش فرهنگ تشیع پردازند.

نمونه روشن آن برخوردی است که امام صادق علیه السلام درباره یکی از بهترین یارانش یعنی «زراره بن اعین» داشت. گاه امام شدیدترین انتقادات را در جلسه عمومی از وی به عمل می آورد و سپس خصوصی به او پیغام می داد که این انتقاد من برای حفظ جان و موقعیت شما بوده است و بدان که تو محبوب ترین اشخاص نزد من هستی. (1)

6- مبارزه با منحرفان: یکی دیگر از عوامل موفقیت حوزه علمی و دینی حضرت امام صادق علیه السلام مبارزه با منحرفانی بود که می خواستند با انتساب به امام صادق علیه السلام به اهداف شوم خود برسند. در حقیقت یکی از آفات حوزه های علمیه همین است که همیشه باید از آن برحذر بود. در

زمان امام صادق علیه السلام تعدادی، خود را آن چنان هوادار امام صادق علیه السلام قلمداد می کردند که گاه امام را در حد الوهیت بالا می بردند! و آن حضرت شدیداً با آنان برخورد می کرد و می فرمود:

«از اینان کناره بگیرید. با اینان سخن نگویند که من با تمام وجودم از این ها بیزارم.» (2)

7- حضور در عرصه های فرهنگی و سیاسی: شاگردان امام باقر علیه السلام با حضور گسترده و بانشاط خود در صحنه، خلفای عباسی را به ستوه

ص: 93

1- اصول کافی، ج 1، ص 226.

2- الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج 2، ص 376.

می آوردند. در مسائل کلامی و نیز مسائل سیاسی همچون مباحث امامت که داغ ترین مسئله سیاسی آن روز جهان اسلام بود، این یاران امام بودند که میدان دار معرکه و سازنده جوّ فرهنگی بودند.

8 - مسلح شدن به سلاح های تبلیغی: یاران ائمه در سنگر بیان، سخنورانی ماهر و در سنگر قلم، نویسندگانی توانا بودند و به رغم جوّی که خلفا ساخته و نوشتن حدیث را ممنوع کرده بودند، ائمه علیهم السلام سفارش زیادی به کتابت و قلم داشتند.

این ها بخشی از عوامل موفقیت این حوزه عظیم تشیع بود. راه موفقیت حوزه های دینی تاکنون نیز این بوده است که با تلاش گسترده خود چراغ درخشان فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله بوده اند و با برخورداری از بنیه قوی و نیرومند علمی ابعاد گسترده اسلام و تشیع را تبیین می کرده اند.

وظایف امروز حوزه های علمیه

راز موفقیت امروز حوزه ها نیز در گرو تلاش گسترده برای تبیین و تدوین و نشر اسلام عزیز است.

حوزه های علمی ما باید تامین کننده فرهنگ جامعه به خصوص برای نسل جوان و تحصیل کرده باشند. امروزه بحمدالله به برکت جمهوری اسلامی میدان برای تلاش و کوشش باز است. باید حوزه های علوم دینی از این فرصت استفاده کرده، با تلاشی خستگی ناپذیر به تدوین و نشر فرهنگ اسلام بپردازند.

حوزه های علوم دینی باید با عمل و اخلاق اسلامی مردم را به معنویت و اسلام دعوت کنند. ویژگی هایی همچون زهد، بی اعتنایی به

دنیا، ساده زیستی، صبر و استقامت و در کنار محرومان و مستضعفان بودن، راز جاذبیت همیشه در روحانیت بوده است و بحمدالله امروز نیز در میان حوزه های علوم دینی چهره های منووری هستند که نمونه اخلاق و معنویت اند و راز موفقیت همیشه روحانیت این بوده است که اخلاق محمدی را که قرآن می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»⁽¹⁾ در کانون وجود خویش جلوه گر کرده اند.

حوزه های علمیه باید در متن سیاست بوده، خود را از مسائل سیاسی کنار ندانند (که البته نمی دانند). البته سیاستی که مورد نظر است، به معنای داخل شدن در جناح بندی ها و دسته بندی های سیاسی نیست، بلکه مقصود این است که حوزه ها در مسائل کلی سیاست داخلی و

خارجی باید حضوری فعال و ژرف داشته باشند.

اینک که لطف خداوند شامل حال ما شده و حضرت حق، نعمت حکومت اسلام را به امت مسلمان ارزانی داشته است، علمای دین باید قدردان این نعمت بوده، با تمام وجودشان حامی این نظام مقدس الهی باشند.

امروزه ضدیت و معاندت با جمهوری اسلامی خیانتی عظیم به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و بی تفاوتی در برابر آن همانند بی تفاوتی در برابر حکومت عدالت گستر علی علیه السلام است.

به همان اندازه که معاندان به حکومت علی علیه السلام ضربه زدند، بی تفاوتی ها نیز به حکومت حضرت ضربه وارد کردند. حوزه علمیه امام

ص: 95

صادق علیه السلام از حوزه هایی بود که حضور در صحنه سیاسی داشت و همین حضور بود که دستگاه خلافت را وا می داشت تا به هر قیمتی که هست زعیم این حوزه (امام صادق علیه السلام) را تبعید کند، تا به گمان خود، نشاط حوزه بزرگ امام صادق علیه السلام را از بین ببرد. (1)

امروزه حوزه های علوم دینی باید مسلح به سلاح بیان، قلم، هنر و دیگر ابزار پیام رسانی باشند تا پیام حق قرآن و تشیع را که در حقیقت همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است به گوش جهانیان برسانند.

و بالا-خره نکته پایانی این که جوّ حزب اللهی حوزه ها همچنان باید قوی و نیرومند باشد تا زمینه ای برای متحجران، مقدس نماهای احمقی

که تقدس و تقوا را در مخالفت و معاندت با نظام حق جمهوری اسلامی می دانند، پیدا نشود؛ همان کسانی که حضرت امام خمینی قدس سره درباره آنان

می فرماید: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است.» (2)

ص: 96

1- - الخرائج و الجرائح، 234.

2- - پیام سرنوشت ساز امام قدس سره به روحانیون و مراجع بزرگوار اسلام، تاریخ 3/12/67.

بخش چهارم: تجدید نظر در کتاب های درسی، ضرورت ها و لغزش ها

اشاره

با تشکر از جناب عالی که در مصاحبه با هفته نامه «پگاه حوزه» شرکت نمودید، برای آغاز بحث، از زندگی علمی و دروسی که در حوزه مشغول به تدریس آن ها هستید، بفرمایید.

از تحصیل تا تألیف و تدریس

من متولد اردیبهشت سال 1339 هستم. در دوازده سالگی دروس طلبگی را در حوزه علمیه سمنان آغاز کردم. طی دو سال، دروس مقدماتی را در آن حوزه خواندم. در سال 1354 پس از آن که رژیم جبار پهلوی مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفا را بست، وارد حوزه علمیه قم شدم. تصادفاً آن سال، سال ورود ادیب بزرگوار «مرحوم مدرّس افغانی» به حوزه بود و من تقریباً همه آنچه را که در حوزه سمنان خوانده بودم، نزد ایشان تجدید کردم.

دروس سطوح را از محضر بزرگان حوزه که برخی از آن ها به رحمت خدا رفتند و برخی دیگر در قید حیات هستند، استفاده کردم؛
دروسی

ص: 97

مثل مکاسب، رسائل، کفایه، شرح منظومه، نهاییه، اسفار، شرح تجرید و... به مدت پانزده سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کرده، از محضر اساتید و بزرگان حوزه (ادام الله ظلهم) استفاده نمودم.

تدریس در حوزه

از سال 1363 تدریس دروس حوزوی را به صورت عمومی آغاز کردم. البته قبل از آن به صورت خصوصی دروس مقدمات را تدریس می کردم و 5 یا 6 دوره مقدمات را به طور خصوصی تدریس کردم، ولی تدریس عمومی من از سال 63 شروع شد؛ 4 دوره معالم، حدود 3 دوره لمعه، حدود 7 دوره اصول فقه، بیش از 2 دوره رسائل و 2 دوره مکاسب را از آغاز تا پایان تدریس کردم و 5 دوره کتاب کفایه را تدریس نمودم. تا چند سال قبل در ایام تعطیلات هم دروس شرح تجرید، شرح باب حادی عشر و درایه مرحوم شهید ثانی را تدریس می کردم و از حدود سیزده سال قبل تدریس خارج اصول را به صورت خصوصی آغاز کردم که اینک بحمدالله دوره اول خارج اصول به پایان رسیده و مشغول تدریس دوره دوم خارج اصول، بحث برائت می باشم و بحث عمومی است؛ با این انگیزه که در کنار این حوزه های بزرگ درس خارج که انصافاً مایه برکت و صفای حوزه هستند، حوزه های کوچکی نیز وجود داشته باشد که دوستان در این حوزه های کوچک سخن بگویند و ان شاء الله بتوانند در حوزه های

بزرگ تر منشأ اثر بشوند.

همچنین از چند سال پیش تدریس خارج فقه را شروع کردم. دو سال خارج قصاص را گفتم. یک سال و اندی دیات را گفتم، حدود پنج سال

ص: 98

بحث خارج حج را دنبال کردم و اینک سال سوم است که خارج صلوات را براساس کتاب عروه الوثقی تدریس می‌کنم. آنچه در این تدریس‌ها برای بنده مطرح است، ادای تکلیف و انجام وظیفه است. من با این پیش‌وارد میدان تدریس شدم که در حد توان دین خود را به این حوزه عظیم ادا کنم؛ حوزه‌ای که با رنج‌ها و تلاش‌های بزرگان به این جا رسیده و ما باید هر چه بالنده‌تر و با نشاط‌تر آن را به آیندگان بسپاریم.

در کنار این دروس اصلی، ما دروس جنبی دیگری هم داشتیم که من از این که این دروس را دروس جنبی بنامم، متأسف می‌شوم؛ زیرا این درس‌ها اصل هستند.

درس تفسیر

یکی از این دروس، درس تفسیر است که امسال سال نوزدهم خود را پشت سر می‌گذارد. این درس خاطره‌عجیبی دارد؛ سال 1367 جناب «آقای قرآنی» در پی همان تلاش‌های مخلصانه‌ای که برای شعائر دین دارند، نزد بزرگان حوزه آمدند و گفتند در حوزه ما تفسیر غریب است، شما بیابید و تفسیر را شروع کنید. بعضی از بزرگان به این جا رسیدند که باید استخاره بگیرند تا یکی از درس‌های خارجشان را تعطیل کنند و

تفسیر بگویند.

آقای قرآنی هرچه تلاش کردند نتوانستند یکی از بزرگان تراز اول حوزه را برای تدریس درس تفسیر آماده کنند؛ البته این عدم آمادگی شاید به خاطر کثرت مشاغل آقایان بود، چون درس تفسیر به وقت زیادی نیاز دارد و شاید جهات دیگری بود که من از آن اطلاعی ندارم. ایشان پس از

ص: 99

این که از آن بزرگان مایوس شدند، به سراغ ما آمدند و گفتند که شما تفسیر شروع کن. گفتم شأن تفسیر در حوزه بسیار عظیم است، وقتی بزرگانی مثل «آیه الله مشکینی» و «آیه الله جوادی» تفسیر می گویند، بایستی جایگاه بسیار والایی باشد و زیر بار نرفتم. آقای قرآنی با همان شوخ طبعی خود فرمودند: نکند این موضوع با آیه الله بودن منافات دارد! گفتم: اصلاً چنین قصه ای نیست، ما نه آیه الله هستیم و نه سبک آیه الهی در پیش می گیریم. طلبه ای هستیم، لکن مسأله تفسیر مسئله عظیمی است. اجازه بدهید که بزرگان وارد این میدان بشوند. تا این که تابستان سال 67 در دانشگاه رضوی خدمت حضرت آیه الله جوادی آملی رسیدیم. ایشان امر فرمودند که شما تفسیر شروع کن. من همان حرفی را که به جناب آقای قرآنی گفتم، محضر ایشان عرض کردم. گفتم: وقتی شخصیتی مانند جناب عالی تفسیر می گوید، این مناسب نیست که ما هم در این وادی وارد شویم. ایشان فرمودند: «ما باید در همه سطوح تفسیر داشته باشیم». این تاکید ایشان برای ما تشویقی شد. با این همه کماکان برای ورود به این میدان، به خاطر عظمتی که قرآن دارد، دلهره و تردید داشتم تا این که

سرانجام امر را موکول به استخاره کردم. استخاره بسیار خوب آمد و قرار شد تفسیر بگوییم.

آن وقت ها زمان درس تفسیر اول صبح (ساعت 7) بود. آن شبی که قرار بود فردای آن شب درس تفسیر را شروع کنم، خواب دیدم در یک خانه تمیز هستم. خانه تمیزی که شبیه خانه های روستایی بود. یک مرتبه دیدم که «اویس قرنی» با 50 جلد قرآن به خانه ما آمد و مهمان ما شد. فردا که وارد کلاس شدم، دیدم که 50 نفر از طلبه های عزیز به پای درس تفسیر

آمده اند. البته من به خواب چندان اعتقادی ندارم، خصوصاً خواب خودم. اما این رؤیا با توجه به مقدمات و مؤخراتش از رؤیاهای صادقه است، و این هم عظمت قرآن و هم عظمت طلاب و سربازان امام زمان را - که ان شاء الله قرآنی عمل کنند - به ما نشان می دهد.

بنده در درس تفسیر حدود چهار سال از محضر آیه الله مشکینی استفاده کردم. یک سال در درس تفسیر آیه الله خزعلی شرکت کردم، و اصولاً از همان آغاز به تفسیر علاقه داشتم و بالاخره در سال 67 درس تفسیر را شروع کردم.

به این ترتیب، ابتدا سوره لقمان و سوره حجرات را گفتیم که این ها در سطح محدود بود. سپس درس را به صورت عمومی شروع کردیم که تعداد جلسات آن تا به امروز به 1825 جلسه می رسد.

ابتدا سوره بقره را تمام کردیم، بعد به سراغ جزء آخر قرآن رفتیم. سپس برگشتیم و از سوره آل عمران شروع کردیم، و الآن حدود آیه 71

سوره اعراف هستیم. این درسی است که حدود نوزده سال است که مشغول تدریس آن هستم. احساس من این است که این درس گلستان است. گوینده درس ادعایی ندارد، اما هرگاه وارد جلسه تفسیر می شوم، احساس می کنم وارد گلستانی بسیار زیبا شدم و این احساس، احساسی است که تا فردی وارد این وادی نشود، آن را درک نمی کند. این یافتنی است، یافتنی نیست. قرآن تجلی ربّ است: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيُقْرَأِ الْقُرْآنَ»؛ «با تو گر خواهی سخن گوید خدا، قرآن بخوان».

این یک درس جنبی است که باز من از جنبی خواندن آن تأسّف می خورم.

درس دیگری که من احساس کردم جای آن در حوزه بسیار خالی است و هم اینک نیز معتقدم که نه تنها در حوزه، بلکه در دانشگاه هم جای آن خالی است، درس «تحلیل سیره ائمه» است. تحلیل سیره ائمه (سلام الله علیهم اجمعین) دیرینه تر از بحث تفسیر ما است. این درس را در سال 65 شروع کردم. آغاز آن نیز با اعزام سپاه صد هزار نفری محمد صلی الله علیه و آله توأم بود که از سیره جهادی پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کردم؛ ابتدا سیره

نبوی، سپس سیره امیرالمؤمنین علیه السلام، تا رسیدیم به سیره آقا بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء).

در این جا باید از «شهید علامه آیه الله مطهری» یاد کنم که وقتی کتاب سیره نبوی ایشان را خواندم به دنبال کردن بحث بسیار مشتاق شدم، و در

حقیقت باید بگویم که الهام بخش من در شروع بحث سیره، کتاب های ایشان بود. بعد که بحث سیره را شروع کردم، با بعضی از بزرگان صحبت نمودم، به ایشان گفتم: می خواهم بحث سیره را بگویم. گفتند: یعنی چه که می خواهید بحث سیره را مطرح کنید. به طلبه ها بگویید که منتهی الآمال

بخوانند؛ سیره که درس نیست. در این جا متوجه شدم که سیره اهل بیت چقدر غریب است. در بعضی از دانشگاه های ما طی چند ترم زندگینامه برخی از سران صوفیه تدریس می شود. آن وقت این بزرگوار - که به رحمت خدا رفته - به بنده می گوید: «مگر سیره درس است». الآن بنده عرض می کنم که سیره یک درس کامل است و نقاط بحث کردنی در سیره اهل بیت علیه السلام بسیار فراوان است. در سیره هر یک از ائمه بحث های زیادی وجود دارد؛ در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام دریایی از بحث های مختلف

منظور من از بحث، عناوینی است که برای حکومت، زندگی فردی و زندگی اجتماعی ما الهام بخش هستند و ما در این دوره از بحث سیره به نکات عمده ای از آن برخورد کردیم. از جمله این نکات که بسیار تأسف بار هم هست این است که غنایی که ما در فقه و تفسیر شیعه با آن روبه رو هستیم، در سیره و تاریخ ائمه وجود ندارد. آنچه ما در اختیار داریم متفرقات و پراکنده گویی هایی است که باید در یک جا جمع شوند و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. بحث سیره پس از حدود پانزده سال به اتمام رسید؛ فله الحمد و الشکر.

این سال ها هم یکی از آرزوهای دیرینه ما - به فضل خدا - به تحقق پیوست که آن بحث «امام شناسی» بود که بحث بسیار مهمی است. بهترین متن برای امام شناسی زیارت جامعه است؛ در این زیارت حدود 250 خصلت از خصلت های امامان معصوم علیهم السلام مطرح شده که تا به حال حدود پنجاه جلسه فرازهای فراوانی از این زیارت تفسیر شده است.

آثار علمی

یکی از عنایاتی که خداوند به ما عطا کرد این بود که در کنار تحصیل، دست به قلم هم بودیم و تعیین کننده قلم ما هم نیازهای جامعه بوده است. آثاری که تاکنون از ما به چاپ رسیده بیش از 110 مقاله است که در برخی از روزنامه ها، هفته نامه ها، ماهنامه ها و گاهنامه ها به چاپ رسیده است. حدود 18 کتاب ریز و درشت و آثار به چاپ نرسیده دیگری مثل مجموعه ای با عنوان «در سایه سار حکمت علوی» که قرار است ان شاء الله

تا عید غدیر منتشر شود، نیز وجود دارد. برخی آثار چاپ شده عبارت از ابعاد جنگ در فرهنگ قرآن و حدیث، رسالت خواص، عبرت های عاشورا، سیره های سیاسی امام علی علیه السلام، سیمای حماسی امام سجاد علیه السلام، نفاق از دیدگاه قرآن، تفسیر سوره الرحمن و واقعه، آسیب شناسی جلسات دینی و... می باشد. همچنین کتاب مدیریت از نگاه قرآن و حدیث که به زودی چاپ دوم آن نیز منتشر می شود. علاوه بر این ها مجموعه مباحثی پیرامون امام زمان (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) که مؤسسه انتظار نور در پی تحریر و تدوین آن بودند، و مجموعه مباحثی پیرامون ولایت فقیه، اسباب النزول،

مبانی تربیت اسلامی، خانواده از دیدگاه اسلام و... نیز وجود دارد. این ها اندک کارهایی است که ما در حد توانمان در این حوزه مقدس انجام دادیم و امیدواریم که تا پایان عمرمان در خدمت اسلام، مکتب تشیع و بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) باشیم.

روش های تجدید نظر در کتاب های درسی حوزه

با توجه به سابقه ای که حضرت عالی در تدریس، چه در دروس اصلی و چه در دروس عمومی دارید، نظر شما در مورد کتب درسی موجود چیست؟ آیا این کتب جواب گوی نیازهای جامعه طلاب است یا خیر؟

در این کتب جنبه های مثبت و غیر مثبتی وجود دارد. ابتدا باید این نکته را یاد کنم که نوع کتاب های درسی ما برای تدریس نوشته نشده اند. مکاسب مرحوم شیخ، درس خارج فقه جناب شیخ است. رسائل جناب شیخ، درس خارج اصول ایشان است. به استثنای کفایه که به عنوان کتاب درسی نوشته شده است، بقیه کتاب ها به این عنوان نوشته نشده اند.

بنابراین، نمی توان بر مؤلفان این کتاب ها خرده گرفت که چرا کتاب های آنان ضوابط یک کتاب درسی را ندارند.

اما نقاط مثبت این کتاب ها به خصوص فقه و اصول این است که بر روی آن ها کار و دقت زیادی شده است. این واقعیتی تردیدناپذیر است که این کتاب ها ملا تربیت می کند.

ما در اصلاح کتاب های درسی باید گرایش های تحصیلی را مشخص

کنیم. این که بگوییم، همه طلبه ها این کتاب ها را بخوانند، سخنی نادرست است، چنان که اگر بگوییم این کتاب ها برای هیچ گروهی از طلبه ها به کار نمی آید نیز سخنی نادرست است.

دیدگاه بنده این است که باید گرایش ها را مشخص کرد. گرایش یک نفر این است که پس از گذراندن دوره عمومی حوزه در دانشگاه تدریس کند. به نظر می رسد برای چنین کسی خواندن همه این کتاب ها و دقت در همه آن ها لازم نیست. باید متونی را تدوین نمود که کلیاتی از فقه، اصول، فلسفه، کلام و ادبیات را به همراه یک سری متونی که به کار این گرایش بیاید، در بر داشته باشد. همچنین برای شخصی که می خواهد خطیب شود دقت در بسیاری از این ریزه کاری های کتاب های درسی ضرورت ندارد. اما کسی که می خواهد در ادبیات تخصص پیدا کند، باید به روش دیگری درس بخواند. اما کسانی هم هستند که می خواهند به فقهی برجسته و مفسری کبیر تبدیل شوند.

به نظر می رسد که این کتاب ها برای کسانی که قصد دارند این رشته ها را دنبال کنند، مفید است و عمق ایجاد می کند. به نظر من این کلام مقام معظم رهبری که فرمودند: «اصلاح در کتاب های درسی»، منظور

همین تفصیل بوده و هرگز فرمایش ایشان این نبود که همه کتاب های درسی باید برای همه یکسان باشد. من معتقدم تا زمانی که کتاب های تحصیلی و درسی اصلاح نشده اند، باید همین ها را درست و عمیق خواند تا عالمانی متخصص در رشته های مختلف علوم اسلامی پرورش یابند.

نکته دیگر این است که اصلاح کتاب های درسی در همه دنیا روش ویژه ای دارد. این که بدون روش کارشناسانه بگوییم آن کتاب نه، و این کتاب آری، بسیار زیانبخش است و موجب می شود که چیزهای مفید هم از دست برود و چیزی هم به دست نیاید.

ابتدا باید گروهی از متخصصان هر رشته (مانند فقه، اصول، تفسیر، کلام و ادبیات) کمیته ویژه اصلاح کتب درسی را تشکیل دهند، سپس متونی را که تدوین می شود، ابتدا در مدارس به صورت آزمایشی تدریس شود. تابستان همان سال نقاط ضعف و قوت آن مطرح شود و در کتاب ها تجدید نظر به عمل بیاید. سپس دوباره سال بعد تدریس شود تا کم کم به صورت یک کتاب مناسب تحصیلی در بیاید؛ نظیر کاری که علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) در تدوین کتاب بدایه الحکمه و نهایه الحکمه انجام دادند.

به خاطر دارم این کتاب ابتدا در مدرسه حقانی توسط اساتید بزرگ تدریس می شد، و هر ساله در آن تجدید نظر انجام می گرفت و در حال حاضر می توان گفت که بدایه الحکمه و نهایه الحکمه مرحوم علامه طباطبایی از کتاب های معتبر درسی است؛ چون روش خاص خود را طی کرده است. شنیده ام که درباره «الموجز» که اکنون جای معلم خوانده می شود، همین کار نسبتاً انجام شده است.

برای اصلاح کتب درسی بسیار دقیق باید عمل کرد. مبادا به جای این که ابروهای بچه را اصلاح کنیم، چشم او را هم کور نماییم! ماییم و

حوزه علمیه به عنوان یک امانت الهی؛ امانتی که با رنج های بسیار به دست ما رسیده است. مشی علمی حوزه را باید با دقت بسیار تنظیم کنیم که ان شاءالله هم چنان که تاکنون داشته ایم، از این پس هم عالمانی متخصص در همه رشته ها داشته باشیم. من گاهی به تشبیه می گویم حوزه علمیه بانک مرکزی فرهنگ دین است.

اگر ذخیره ارزی ما در بانک مرکزی زیاد باشد، قیمت و ارزش پول ما بالا می رود. همین طور هر چقدر که عالمان فرهیخته و متخصص در بخش های مختلف علمی و دینی در حوزه بیشتر باشند، دین و مکتب جایگاه برجسته تری خواهد یافت. وزانت و متانت حوزه به این است که پیوسته بزرگانی در این حوزه باشند که در رشته های مختلف علمی حرف اول را بزنند. در این حوزه ما باید همواره مراجع بزرگواری، همچون امام را داشته باشیم و بزرگانی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری را تربیت کنیم.

بحمدالله در حال حاضر در حوزه بزرگانی این چنین هستند، ولی ما باید چشم خود را به آینده بدوزیم، برای بیست و سی سال آینده، تا دانشمندی را پروریم که نیازهای دینی آینده را تامین کنند.

اصلاحات کتب درسی

آیا شما اصلاحات کتب درسی را فقط در دروس سطح می دانید یا خیر؟

ص: 107

البته من رسائل و مکاسب را به عنوان مثال ذکر کردم و معتقد هستم که حتی در کتاب های ادبی ما هم باید اصلاحاتی صورت بگیرد؛ اصلاحاتی در جهت رشد که بحمدالله در آن بعد اصلاحات خوبی صورت گرفته است. منظور من از اصلاحات این است که به جای مثال های اشعار جاهلیت و گاه نثرهای رکیک جاهلیت و امثال این ها، مثال های قرآن و روایات و نهج البلاغه را بیاوریم. اگر می خواهیم ادبیات ما اصلاح شود، باید همه مثال ها، مثال های قرآنی، روایی و از نهج البلاغه امیرالمؤمنین

باشد. به خصوص در علم معانی، بیان و بدیع که متأسفانه کمتر به آن بها داده می شود.

من معتقدم اگر قرار است که تشبیه بیاوریم، باید تشبیه قرآنی و استعاره از نهج البلاغه باشد. اگر قرار است اصلاحی صورت بگیرد، باید در این راستا باشد.

نکته دیگر این است که بسیاری از عناوینی که در ادبیات عربی می خوانیم، در زبان فارسی هم هست. اگر استادی که معانی و بیان تدریس می کند به صورت مقارن آن ها را تدریس کند؛ یعنی وقتی ایجاز را در علم معانی ذکر می کند و یک مثال عربی می آورد، یک مثال از شعر یا نثر فارسی هم ذکر کند تا طلاب عزیز در کنار آشنایی عمیقی که با ادبیات عربی پیدا می کنند، با ادبیات فارسی هم آشنایی پیدا کنند، بسیار خوب می باشد. بدین ترتیب طلاب وقتی که می خواهند مطلب بنویسند، یا سخنرانی کنند، زیبایی های شعر را فراگرفته، از اشعار بلند و پر مغز

استفاده خواهند کرد. بنابراین، من به اصلاح در همه عرصه ها معتقد هستم. البته احساس می کنم که تمرکز اصلاح در حوزه فعلی بر روی فقه و

اصول می باشد. بار دیگر دغدغه خود را ابراز می کنم که اصلاح حتماً باید همراه با عمق باشد.

با توجه به دغدغه ای که دارید و نیز سابقه چندین ساله تدریس، طبیعتاً شما بسیاری از مشکلاتی را که در درس ها و کتب وجود دارد از نزدیک لمس کرده اید. با توجه به این نکات، جناب عالی در جهت اصلاح این کتب چقدر تلاش کرده اید و چه مقدار تلاش در حوزه صورت گرفته که شما در جریان هستید؟

تا آن جایی که اطلاع دارم، مدیریت محترم حوزه در این رابطه گامی را آغاز کرده و ظاهراً گروه های تخصصی را نیز برای این کار قرار داده اند.

اما مسئله تدریس یک مقوله است و مسئله اصلاح مقوله ای دیگر. من در حد توان خود تلاش کردم مثال هایی را که در اصول می زنیم، حتی الامکان مثال های فقهی باشد؛ به خصوص در درس خارج، مگر این که مثال فقهی پیدا نشود؛ یعنی درست است که اصول، مقدمه فقه است یا بهتر بگوییم، اصول، منطق فقه است، ولی اصول ما با فقه گره نخورده است. طلبه ای که رسائل یا کفایه می خواند، اگر در کنار همان مسئله اصولی بلافاصله ثمره فقهی اش را ببیند، بسیار مفید خواهد بود. اجمالاً دیدم که در کتاب «الموجز» چنین کاری انجام شده و دوستان کنگره فاضلین

می گفتند که مرحوم «ملا مهدی نراقی» کتاب اصولی ای دارد که به این سبک نوشته شده است. احساس می کنم که اگر قرار است اصلاحی در کتاب های اصولی صورت گیرد، باید این بریدگی و شکافی که بین اصول و فقه است، ترمیم شود و در کتاب های درسی ما همه مثال ها واقعی و فقهی

باشد.

ما معتقدیم اصول، مقدمه فقه است. دائماً مثال «أَكْرَمُ الْعُلَمَاءِ وَلَا تُكْرِمُ الْفُسَّاقَ» و مثال های رایج را نزنیم. می توان مثال های فقهی را که ارتباط مستقیم با فقه داشته باشد پیدا کرد. بنابراین آن کار ناچیزی که از دست ما برمی آید این است. اما عالم تدریس غیر از عالم اصلاح کتب است. در عالم تدریس، هدف این است که متن و مطلب به صورت کامل بیان شود، ولی کار اصلاح کتاب، چنان که یاد شد، کار تخصصی است و به گروهی ویژه نیاز دارد.

ص: 110

به نظر شما، هدف از مطرح شدن دروس جنبی چه بوده و حوزه چقدر در رسیدن به این هدف موفق بوده است؟

اصطلاح «دروس عمومی» یا «دروس جنبی»، اصطلاحی است که تقریباً از آغاز انقلاب به حوزه راه یافت و خاستگاه آن هم نیاز جامعه بود.

جامعه اسلامی ما پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و به برکت آن، بیش از گذشته شیفته معارف اسلامی شده و اکنون در جای جای ایران اسلامی ما این اشتیاق دیده می شود. این مسئله سبب شد که حوزه هم در جهت اشباع نیازها و خلأهایی که احساس می شد، تلاش کند و الآن بحمدالله بخش هایی از آن تامین شده است.

یکی از آن نیازها، مسائل فلسفی و کلامی است. واقعیت این است که اگر ما بخواهیم پاسخ گوی شبهات رایج مطرح شده در حوزه فرهنگ و مسائل دینی باشیم، به فلسفه و کلام نیاز داریم. بایستی مسائل فلسفی و کلامی به دقت خوانده شود؛ البته از همان منظری که بزرگان ما مثل علامه

طباطبایی و شاگردان ایشان، فلسفه را دنبال می کنند. مسائل فلسفی برای ما وحی مُنزل نیست؛ وحی مُنزل، کتاب خداست؛ و کلام معصومین است.

مسائل فلسفی باید در حوزه قرآن و روایات اهل بیت دنبال شود. اوایل انقلاب این مباحث بازار خیلی گرمی نداشت؛ ولی الآن بحمدالله در متن کتاب های درسی قرار گرفته اند.

بدایه و نهاییه اکنون جزء کتاب های درسی بوده و در این راستا رشته تخصصی فلسفه و کلام هم به وجود آمده است. این ها گام های آغازین است.

درس مهم دیگری که به نادرست جنبی نامیده می شود، درس تفسیر است. خوشبختانه پس از انقلاب و با تلاش مدیران محترم حوزه، تفسیر جوامع الجامع که متن بسیار ارزشمندی است، به عنوان متن درسی مطرح شده و رشته تخصصی تفسیر هم چندین دوره است که کار خودش را دنبال می کند. به هر ترتیب، مباحث قرآنی و تفسیری از آن انزوایی که در اول انقلاب داشت، بیرون آمده است. البته تا رسیدن به نقطه مطلوب، هنوز فاصله زیادی داریم. ان شاءالله در درس تفسیر هم مانند فقه و اصول و حتی بیشتر، شاهد رونق و گرمی آن در حوزه باشیم. البته دروسی مثل تاریخ و سیره اهل بیت هم نیاز جامعه است که حوزه ما این نیاز را باید پاسخ گوید و سفیران نور که طلاب علوم دینی هستند، این معارف را در جاهای مورد نیاز منتشر کنند.

بایسته ها و ضرورت های فعلی حوزه

این سؤال مطرح است که بایسته ها و ضرورت های فعلی حوزه چه می تواند باشد تا حوزه به وسیله آن ها بتواند تهدیدها و آفات را از خود دور کند؟

بایسته های کنونی حوزه را باید در ابعاد مختلف ارزیابی کرد.

یکی از آن بُعدها، بُعد علمی است. در بعد علمی آنچه امروز به عنوان یک ضرورت به شمار می رود، این است که بایستی بر عمق علمی حوزه بیفزاییم که اگر خدای ناکرده این بعد آسیب ببیند، حوزه آسیب دیده است.

الآن به دلایل گوناگونی، برخی از طلاب مستعد از حوزه بیرون می روند. ما باید تلاش کنیم تا زمینه ای پیش بیاوریم که طلاب مستعد، در حوزه باقی بمانند. مشکلات معیشتی آن ها تا حد امکان حل شود تا بدون دغدغه و مشکل بتوانند کار علمی خود را ادامه دهند. خوشبختانه، هم مقام معظم رهبری و هم بعضی از مراجع عظام تقلید به این نکته عنایت داشته و در پی آن هستند که حتی الامکان زمینه رشد تحصیلی طلاب مستعد را فراهم نمایند، ولیکن این مهم باید به صورت یک روال درآید.

این که در هر گوشه و کناری پنجاه یا صد نفر طلبه را پوشش دهیم، کار خوبی است؛ اما خوب تر از آن این است که روال حوزه، روال پرورش استعدادها درخشان باشد. ما باید در بعد علمی، به همان سبک سنتی که فقیه برجسته، اصولی برجسته و مفسر برجسته داشتیم، بازگردیم و در

تربیت آن ها تلاش کنیم.

در بُعد نوشتاری نیز باید آثار ارزشمندی عرضه شود. باید در معرفی کتاب های سال کشور یا سال حوزه که برگزار می شود - و کار بسیار خوبی است - بیشتر از این شاهد حضور حوزه باشیم.

ضرورت دیگری که به شدت احساس می شود، بعد اخلاقی حوزه است که اهمیت فراوانی دارد.

در سال 64 هنگامی که آیه الله العظمی فاضل لنکرانی رئیس شورای عالی حوزه بودند، دعوت نامه ای فرستادند و گفتند: امام پیغامی ارسال کرده اند. همه اساتید حوزه جمع شدند. پیام امام این بود که همه اساتید، بدون استثنا از مدرّس مقدمات تا مدرّس خارج، هفته ای یک بار، یک ربع از وقت کلاس درس را به مباحث اخلاقی اختصاص بدهند؛ زیرا امام به اخلاق در حوزه بسیار عنایت داشتند و مصر بودند که بزرگان، درس اخلاق بگویند و دروس اخلاق، دروس رایج باشد. البته باید بگوییم ما از آغاز انقلاب تا کنون در این بعد رشد نداشتیم و انتظار این است که درس های اخلاق به صورت منظم و پربار دایر شود.

معاونت تهذیب حوزه باید تلاش بیشتری در گسترش درس های اخلاقی کنند. البته در مدارس تحت پوشش این درس ها رایج است، لکن من پیشنهادی دارم که در برخی از مدارس هم مطرح کرده ام. مناسب

می بینم که این جا هم مطرح کنم، در مدارس تحت پوشش، شایسته است که درس های اخلاقی، حساب شده باشد. با این توضیح که اولاً- نیازهای اخلاقی ارزیابی شود. فرض کنید که نیازهای اخلاقی صد محور دارد. بعد از این که محورهای اخلاقی ارزیابی شد، هر استادی که می آید محوری به او بدهند و به عنوان مثال بگویند: استاد قبلی درباره اخلاص صحبت کرده، شما درباره نظم صحبت کنید و استاد دیگر، درباره سخت کوشی صحبت کند تا بحث های اخلاقی تکراری نباشد.

این طبیعی است که اگر به بنده موضوع ندهند و درخواست بحث اخلاق کنند، اولین نکته ای که به نظر من می رسد، اخلاص است و استاد دیگر نیز به همین صورت است. ولی اگر این موضوعات به طور دقیق تنظیم و ضبط شود و بعد هم آن را پیاده و تدوین کنند، می توان آن را به صورت یک کتاب اخلاقی درسی برای طلاب مطرح کرد.

بعد سیاسی حوزه

سومین بعدی که من جزء بایسته های حوزه تلقی می کنم و به شدت در مورد آن، دغدغه دارم، بعد سیاسی حوزه است. در بعد سیاسی همواره بر این نکته تاکید داشته ام که اصل اول، درس خواندن است، و باید طلاب عزیزمان با جدیت درس بخوانند و در کنار آن، باید از مسائل سیاسی کلان ایران و جهان اسلام مطلع باشند.

دو جریان خطرناک

احساس من این است که در حال حاضر دو گروه در حال بازسازی تر رضاخانی «جدایی دین از سیاست» هستند.

یک گروه، روشنفکران بیماری هستند که حکومت دینی را نمی خواهند و اگر می گویند دین از سیاست جداست، این یک پوشش است و زیربنا و عمق آن این است که می خواهند بگویند حکومت دینی نباید باشد. بستر تلاش این گروه عمدتاً متمرکز در دبیرستان ها و دانشگاه هاست. البته همین جا تاکید می کنم که این مطلب، به معنای آن نیست که تلاش این ها مؤثر واقع شده است. بحمدالله هم در دانشگاه ها و

هم در دبیرستان ها جوانان متدین، متعهد و وفادار به انقلاب اسلامی، بسیار داریم، ولی آن ها تلاش خود را می کنند.

گروه دومی که خواسته یا ناخواسته در این تزارخانی می دمند، متحجرین هستند که البته این تعبیر، از من نیست، تعبیر امام قدس سره است؛ یعنی کسانی که کوتاه نظر هستند، نقاط اوج و قوت را نمی بینند و فقط نقطه ضعف ها را می بینند؛ نمی بینند که قبل از انقلاب چه وضعی حاکم بود؛ اسلام در چه انزوایی قرار داشت؛ حوزه در چه انزوایی قرار داشت و الآن در چه شکوهی قرار دارد. این گروه پیوسته به بزرگ نمایی مشکلات پرداخته، همانند زمان طاغوت حرکت می کنند؛ یعنی همان طور که در زمان طاغوت سعی می کردند بی طرف باشند، الآن هم سعی می کنند در ارتباط با نظام اسلامی بی طرف باشند و در این بی طرفی می دمند. با زبان حال و قال خود این فرهنگ را القا می کنند که باید بی طرف بود. من حرفم

این است آیا این آقایان قبول دارند که این نظام، نظام اسلامی است یا نه؟ بعید می دانم این قدر بی انصاف باشند که نظام را غیر اسلامی بدانند، اسلامیت یک نظام، به قانون اساسی آن است؛ اسلامیت یک نظام، به مسئولان آن نظام می باشد. در این جهت تردیدی نیست که این نظام، نظام اسلامی است.

نکته دیگر این که ممکن است کسانی اصل تشکیل حکومت را در زمان غیبت امام لازم ندانند و ادله ولایت فقیه را نقد کنند، اما همان ها هم قبول دارند که اگر نظام اسلامی تشکیل شد، باید آن را حفظ کرد. حفظ نظام اسلامی واجب است. من سؤال این است که آیا با موضع بی طرفی و احیاناً موضع ضدیت گرفتن، این نظام اسلامی حفظ می شود یا آسیب

می بیند؟ قطعاً آسیب می بیند. قطعاً اگر این روند بی طرفی نسبت به اساس انقلاب ادامه پیدا کند، روندی خطرناک است. چرا بعضی نسبت به محکومات انقلاب اسلامی بی طرف هستند؟

منظور از استقلال حوزه چیست؟

هرگز نگفته ایم و نمی گوئیم که توجیه گر خلاف ها و اشتباهات باشیم؛ اما این انتظار را از حوزه ای که به برکت انقلاب اسلامی از انزوا به درآمده است، داریم که در کنار نظام باشد، نه ادغام شده در نظام. امام راحل عظیم الشان و مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تاکید کرده بودند که حوزه باید مستقل باشد و ارزش حوزه های شیعه در طول تاریخ هم این

بوده که مستقل از دولت ها بوده اند.

این ارزشی است که جای انکار ندارد. اما بعضی این استقلال را به بی طرفی و احیاناً ضدیت با نظام اسلامی تفسیر می کنند. این تحریف استقلال حوزه است. استقلال حوزه به معنای این است که تصمیم گیران حوزه و آن هایی که حرف اول را در حوزه می زنند، دولتی نباشند؛ بلکه مراجع عظام و خود حوزویان باشند. بعضی ها با سوء استفاده از این عنوان، یا در بی تفاوتی، نسبت به اساس و محکومات انقلاب می دمند یا احیاناً در مخالفت با آن. امروز حوزه ما حوزه مستقلی است. نگرانی ای که اکنون من دارم، این است که احساس می کنم عده ای در بی تفاوتی می دمند که البته این ناشی از ضعفی است که در حوزه ما وجود دارد و آن، عدم اطلاع رسانی است. بایستی حوزه علمیه ما در اطلاع رسانی خود تلاش بیشتری کند.

ص: 117

بزرگان و اعظام و طلاب عزیز ما در جریان واقعیات موجود جامعه قرار بگیرند. در جریان این مسئله قرار بگیرند که تهاجماتی که به دین می شود، چیست و چگونه باید با آن مقابله کرد، ولكن این نکته را باید جدی گرفت و باید دلسوزان حوزه نگذارند که افرادی دوباره تز رضاخانی «جدایی دین از سیاست» را در حوزه بازسازی کنند.

حوزه و نظام اسلامی

در بُعد سوم بایسته های حوزه؛ یعنی در رابطه با بعد سیاسی توضیحاتی

را فرمودید و تذکری هم در رابطه با دولتی شدن حوزه مطرح کردید. می خواستم بینم به طور اجمال و با توجه به این که در رأس نظام، ولایت فقیه قرار دارد، دولتی شدن حوزه چه محاسن و چه معایبی می تواند داشته باشد؟

باید دولتی شدن را تفسیر کرد. مراد از دولتی شدن چیست؟ به نظر می رسد که مراد از دولتی شدن این است که همان طور که دولت اسلامی در همه جای کشور برنامه دارد، در مورد حوزه هم برنامه داشته باشد. این است معنای دولتی شدن. دولتی شدن به معنای این است که برای اداره حوزه، ردیف بودجه ای در مجلس قرار داده شود. این دولتی شدن حوزه است، اما دولتی شدن به این معنا، چه معایبی دارد؟ عیب بزرگش این است که وقتی حوزه به عنوان یکی از زیر مجموعه های دولت درآمد، دیگر آن شجاعت، شهامت و جدّیتی را که در گذشته داشته است نخواهد داشت.

آنچه این انقلاب را در حقیقت جان داد، این بود که حوزه ما حوزه مستقلی بود. نان حوزه دست دولت نبود. اگر نان حوزه دست دولت

باشد، دیگر آن حریتی که همیشه حوزه های علمیه داشته اند، آن حریت نخواهد بود و معایب آن، در متن خودش است. «قضایا، قیاساتها معها». حوزه با حفظ کمال استقلالش، در کنار نظام اسلامی قرار دارد. اما اگر در یک مورد ایراد و اشکالی دید، آن را بیان می کند، چنان که الآن هم بیان می شود. الآن هم اگر مراجع بزرگ تقلید ایراد و اشکالی ببینند، بیان می کنند. اگر جامعه مدرّسین اشکالی ببینند، خصوصی یا عمومی با

مسئولان نظام در میان می گذارند. بنابراین ارزش استقلال را باید حفظ کرد تا حوزه بتواند همچنان به عنوان دیده بانی دقیق از اصول و ارزش های اسلام دفاع کند.

بُعد اخلاقی و معنوی حوزه

اشاره ای داشتید به بعد اخلاقی، خواهش می کنم در رابطه با جایگاه ادعیه و زیارات در حوزه، توضیحاتی ارائه نمایید و اگر در این رابطه توصیه ای دارید، بفرمایید.

انس با دعا سازنده و درس اخلاق است، لکن آن نکته ای را که پیوسته تأسف می خوردم، این است که ادعیه، گنجینه ای است از معارف بلند اسلامی و ما این گوهر را نشناخته ایم. تحقیقاً توحید ناب، در دعاها می باشد. دعای عرفه سیدالشهدا، توحید ناب است. مناجات شعبانیه در حقیقت، انقطاع الی الله و عرفان ناب است. دعای سحر و دعای ابوحمزه ثمالی، دوره های کامل توحید، اخلاق و عرفان اسلامی است. تعبیر قرآن صاعد برای دعاها، تعبیر بسیار جالبی است. هنگامی که ائمه با مردم صحبت می کردند، مأمور بودند به اندازه فهم مردم و به صورت عادی

صحبت کنند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»، ولی آن گاه که با خدا مناجات می کردند، اوج معرفت خود را ابراز می کردند. بنابراین به نظر می رسد که ما باید به دعا‌های بلندی؛ مثل دعای عرفه، دعای ابوحمزه و مناجات شعبانیه، به دید متن درسی نگاه کنیم و

این متون را به عنوان متون ارزشمند معارف اسلامی، هم برای طلابمان و هم برای مردم تبیین کنیم.

و اما در باب زیارت ها از حدود سال 56 یا 57 که من خطابه را شروع کردم تا الآن، حدود 29 سال می گذرد. هر ساله به مناسبت ماه محرم به سراغ کتاب هایی که راجع به امام حسین علیه السلام نوشته شده است، رفته ام،

ولی تاکنون متن جامع تری از زیارت های سیدالشهدا برای شناخت نهضت ابی عبداللّه ندیده ام. همین زیارت عاشورا، یا زیارت اربعین، که خواندن آن ها ثواب دارد، به نظر می رسد اهل بیت این ها را به عنوان متون «امام شناسی» مطرح کرده اند و این زیارت ها امامان را به ما می شناسانند. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلی است. باید امام را شناخت. همان طور که باید خدا را با خدا شناخت، «مَعْرِفَةُ اللَّهِ بِاللَّهِ» معصومین را باید با

خودشان و از طریق متونی که خودشان معرفی کرده اند، بشناسیم. در این راستا زیارت جامعه، بهترین متن امام شناسی است.

با همین انگیزه، سالیان طولانی آرزو داشتم این بحث را به عنوان یک متن درسی محضر عزیزان طلبه مطرح کنم. خوشبختانه تفسیر زیارت جامعه را شروع کردیم و بحمدالله با استقبال خوبی هم از طرف دوستان طلبه مواجه هستیم.

بدین سان، بر این باور هستیم که اگر ما بخواهیم در ابعاد مختلف، هم در ابعاد اعتقادی و هم در ابعاد اخلاقی متن پیدا کنیم، متونی که از

معصومین علیهم السلام رسیده، متون بسیار مناسبی است.

به عنوان حسن ختام اگر توصیه یا پیشنهادی در زمینه های علمی،

اخلاقی و سیاسی برای طلاب دارید بفرمایید؟

سخنی که همواره با خودم نجوا می کنم و گاه برای عزیزان طلبه هم می گویم، این است که حوزه ای که در آن زندگی می کنیم، امانت خداوند و امانت امام زمان است. این حوزه به راحتی به دست ما نرسیده است. رنج ها و تلاش های زیادی صورت گرفته تا حوزه به این شکل به دست ما رسیده است. امروز بدون تردید با نشاط ترین حوزه شیعی، حوزه علمیه قم است.

پس باید امانتدار باشیم؛ استاد امانتدار باشد، محصلان امانتدار باشند. اگر با این دید به حوزه علمیه نگاه کنیم باید شبانه روز تلاش کنیم. باید تعطیلی ها را به حداقل برسانیم. این که به مجرد مختصر پیشامدی، استاد یا شاگرد درس را تعطیل کند، این با امانتداری سازگار نیست. سالیانی است جناب آقای ری شهری نماینده محترم ولی فقیه در حج مرا به زیارت خانه خدا دعوت می کنند؛ اما می بینم رفتن به حج مستلزم تعطیلی دروسی است که در خدمت عزیزان هستیم، با نهایت علاقه ای که به حج داشتم و دارم، عذرخواهی می کنم و مشرف نمی شوم و اشتغال به تدریس دارم و احساس می کنم این کار را به عنوان وظیفه انجام می دهم و متنی هم بر هیچ شخصی نداشته و ندارم. سخن این طلبه کوچک این

ص: 121

است که امانتدار شایسته ای باشیم و برای این امانت الهی، خوب درس بخوانیم و خوب درس بگوییم. به عنوان تکلیف در این میدان ها وارد شویم؛ به گونه ای که ان شاءالله فردای قیامت پیش خداوند، پیش معصومین علیهم السلام، نزد حضرت بقیه الله الاعظم روسفید باشیم. «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»؛ (1) سپس شما را

جانشینان آن ها در روی زمین - پس از ایشان - قرار دادیم، تا ببینیم شما چگونه رفتار می کنید.

ص: 122

پیرامون ضرورت اصلاح شیوه های درسی حوزه های علمیه

سؤالات نظرخواهی پیرامون سخنان اخیر مقام معظم رهبری در مورد ضرورت ایجاد تحول در حوزه های علمیه

1- از چه راه هایی می توان همان گونه که رهبر انقلاب فرمودند فقه را پربارتر و عمیق تر کرده و متناسب با نیاز روز جامعه پیشرفت داد؟

واژه «فقه» در فرهنگ قرآن و حدیث به معنای «فهم عمیق تمامی ابعاد دین» است و در زمان های متاخر بر اساس مرزبندی علوم تنها بر علم به احکام اطلاق می گردد. فقه در اصطلاح متعارف مبین وظایف الهی فرد و جامعه اسلامی است. فقه در حقیقت مفسر اصول عملی اسلام است و نشان دهنده جامعیت مکتب و پاسخ گویی آن به تمامی ابعاد مورد نیاز زندگی بشری است.

فقه شیعه از سابقه ای پر تحرک و درخشان برخوردار است که یکی از ثمرات آن «جمهوری اسلامی ایران» است که این حکومت بر اساس فقه استوار شده است.

مؤلفه های پویایی فقه

برای آنکه فقه شیعه بتواند به نشاط و شادابی و تحرک و پویایی خود

همچنان ادامه دهد نکات زیر ضروری به نظر می رسد:

ص: 123

الف) باید در شیوه استنباط از فقه سنتی (که پیوسته امام راحل قدس سره بر آن تاکید داشتند) پیروی کرد؛ یعنی همان دقت و تعمقی که فقهای گذشته در مسائل داشتند همچنان محفوظ بماند و از همان ابزاری که آنان برای استنباط احکام از کتاب و سنت به کار می گرفتند استفاده شود.

ب) باید حوزه ها خود را آماده پاسخ گویی به نیازهای فراوان جدید فقهی نموده و بررسی مسائل مستحدثه باید بازار گرم تری پیدا کند و در حوزه های درس خارج فقه این مسائل به طور عمیق و گسترده مورد بحث قرار گیرد.

ج) در استنباط احکام باید پیوسته به این اصل مهم توجه داشت که اسلام تنها دین فردی نیست، بلکه اسلام آیین اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان است. باید پیوستگی این مجموعه را ملحوظ داشت. به دیگر عبارت نباید «فقه الحکومه یا فقه الاقتصاد» را از «فقه العباده» جدا دانست.

د) باید بررسی تخصصی ابواب مهم فقه همانند حدود، قضا، دیات، مسائل اقتصادی و غیره در حوزه ها رایج شود، تا در این زمینه نظرات پخته و قابل عرضه زیدگان حوزه تقدیم جامعه گردد.

2- در مورد لزوم توجه به علوم دیگر غیر از فقه و شیوه های عملی که در فرمایشات اخیر بر آن تاکید شده، چه راه هایی را پیشنهاد می کنید؟

بی تردید برای آن که حوزه ها بتوانند پاسخ گوی نیاز گسترده جهان اسلام باشند باید علاوه بر فقه و اصول (که از دروس متداول و ضروری

حوزه ها است) علوم دیگر نیز در حوزه جایگاه ویژه و شایسته خود را پیدا کنند.

علوم ضروری در حوزه

اشاره

علمی که باید جزء دروس اصلی حوزه ها باشد عبارت اند از:

الف) تفسیر قرآن

امروز دنیا تشنه معارف ناب قرآن است و چشم به راه پرورش یافتگان حوزه است، تا آنان را از این چشمه حیات بخش سیراب سازند.

ضروری است که حوزه ها اقبال و عنایت بیشتری به قرآن داشته باشند. باید برنامه ریزی حوزه ها به گونه ای باشد که طلبه از آغاز تا پایان، درس تفسیر قرآن را به عنوان یکی از اصلی ترین دروس خود تلقی کند. از ابتدای ورود طالب علم در حوزه علوم دینی باید درس قرائت تجوید، تجزیه و ترکیب قرآن مطرح گردیده و بعد از آن به تناسب سال های تحصیل، درس تفسیر برایش معین شود.

باید اساتید بزرگ درس خارج فقه و اصول حوزه های درس تفسیر را در تمامی ساعات روز برقرار سازند، تا بدین وسیله طلاب حوزه نیز به جایگاه شایسته درس تفسیر پی برده، به آن اهمیت بیشتری بدهند. (گفتنی است بحمدالله در حوزه علمیه قم حرکت شایسته ای از سوی

مدیریت در این زمینه صورت گرفته و با درسی کردن متن تفسیر جوامع الجامع و برپا کردن دوره تخصصی تفسیر، گام مناسبی برای احیای قرآن برداشته شده، ولی این کافی نیست و باید با گام های وسیع تر قرآن کریم را

ص: 125

از غربت به در آوریم).

ب) درس فلسفه و کلام

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی دشمنان با تمام توان خود به جنگ با اسلام آمده اند و از جمله شیوه دیرینه آنان القای شبهات اعتقادی در بین مردم به ویژه جوانان است. باید حوزه ها همانند سلف صالح خود آماده پاسخ گویی به این مسائل باشند. در این رابطه باید درس فلسفه و کلام جزء دروس اصلی حوزه قرار گرفته و مباحث عقیدتی مورد نیاز به طور عمیق مورد بحث قرار گیرد. در این زمینه تهیه متون مناسب (که با توجه به نیازها و علم کلام جدید تدوین شده باشد) ضروری به نظر می رسد.

ج) درس سیره پیامبر و معصومین علیهم السلام

ما معتقدیم پیامبر و امامان الگو هستند. تا چه حد توانسته ایم سیمای این الگوهای شایسته را ترسیم کنیم؟ باید اذعان کنیم در این زمینه کار اندکی شده است. علمای گذشته در این زمینه نهایت همت خویش را مبذول داشته اند، اما ما هنوز نتوانسته ایم آن گونه که شایسته و در شأن پیامبر و امامان معصوم (سلام الله علیهم اجمعین) است حرکت متناسب را انجام دهیم. باید حوزه ها در این بعد نیز تلاش وافر و به خرج داده، با

تدوین متون درسی مناسب برای طلاب و عموم مردم در این زمینه دین خود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام ادا کنند.

در پایان گفتنی است که از ضروریات یک عالم دین آشنایی با مسائل سیاسی کشور و جهان اسلام است. مناسب است مسئولان حوزه ها به

ویژه حوزه مبارکه قم ترتیبی دهند که طلاب به نحو شایسته در جریان مسائل سیاسی قرار گرفته، در این زمینه صاحب نظر شوند. در این رابطه دعوت از مسئولان و سیاست گذاران کشور برای تبیین مسائل سیاسی بسیار مناسب به نظر می رسد.

ضرورت تشکیل یک سازمان منسجم روحانیت

3- با توجه به تاکیدات رهبری در مورد ضرورت برنامه ریزی صحیح و دراز مدت در امور حوزه چگونه می توان در این راه عملاً گام برداشت؟

برای برنامه ریزی صحیح و دراز مدت حوزه راهی جز «انسجام و نظم مجموعه روحانیت» نیست. در این باره طرحی به نظر این جانب رسیده که اینک خلاصه ای از آن را تقدیم می دارم. مواد اساسی این طرح به ترتیب زیر است:

الف) باید ابتدا مرکز واحدی برای تصمیم گیری در مورد مجموعه روحانیت به وجود آید. اعضای این مرکز عبارت خواهند بود از:

1) مقام معظم رهبری

2) مراجع عظام

3) تعدادی از بزرگان حوزه های علمیه بزرگ در قم، مشهد، اصفهان و ... با انتخاب علمای آن حوزه ها.

بدیهی است ریاست این مرکز با شخص مقام معظم رهبری خواهد بود، هم به جهت مقام ولایت امر و هم به جهت اطلاع وسیعی که معظم له در امور مربوط به حوزه ها دارند و خود از کسانی اند که از دیر زمان اندیشه اصلاح و برنامه ریزی حوزه ها را داشته اند.

ص: 127

ب) مسئولیت های این مرکز عبارت خواهد بود از:

- 1) شناسایی کلیه حوزه های علمیه موجود کشور و تهیه شناسنامه برای کلیه حوزه ها در ابعاد مختلف.
- 2) بررسی نیازهای فکری و مذهب و جامعه و ارائه طرح مناسب برای برآوردن آن ها.
- 3) بررسی کتب درسی حوزه ها و تشکیل کمیته های ویژه برای تهذیب و تدوین کتب درسی حوزه.
- 4) سازمان دادن حوزه ها و ایجاد وحدت رویه تحصیلی و اداری بین کلیه حوزه ها.

ج) اختیارات این مرکز عبارت خواهد بود از:

- 1) صدور مجوز تاسیس حوزه علمیه (بر اساس این طرح، بدون صدور مجوز از سوی این مرکز، تأسیس حوزه علمیه ممنوع است).
- ب) تایید صلاحیت برای کلیه مسئولیت های اجتماعی که در ارتباط با روحانیت است، همانند امامت جمعه، قضاوت و...
- 3) تصویب یا رد کلیه قوانین مربوط به روحانیت.
- 4) گزینش سراسری طلاب علوم دینی (تا بدین وسیله هماهنگی بین کلیه حوزه های علمیه ایجاد شود).

این خلاصه طرح است. تفصیل آن مجالس وسیع می طلبد که در این نظرخواهی اجمالی نمی گنجد. به طور طبیعی هر طرحی نقاط قوت و ضعفی دارد. این طرح نیز ممکن است از قاعده فوق مستثنی نباشد. امید که صاحب نظران امور حوزه با بررسی طرح های مربوط به حوزه، بهترین را برگزیده و با عرضه به مقام معظم رهبری و زعمای حوزه زمینه اجرای

آن را فراهم سازند.

4- یکی از محورهای سخنان آیه الله خامنه ای پرهیز از تحجر فکری، خط بازی و تشویق طلاب به آزاداندیشی و تفحص و تحقیق بود. نظرتان را در این مورد بیان فرمایید؟

اساس حوزه ها در طول تاریخ بر مبنای «آزاد اندیشی» بوده است.

نظام حوزوی، طلبه را از آغاز نقاد می پرورد. نقل می کنند که در درس حضرت امام قدس سره اگر کسی اشکال نمی کرد امام اعتراض می کردند و می فرمودند این جا مجلس درس است، مجلس روضه نیست؛ چرا اشکال نمی کنید؟!

این سبک تربیت حوزوی است. بر این اساس روحانیت باید با ادامه همین مشی سازنده نشاط فکری و اجتماعی خود را ادامه دهد.

تحجر فکری، داشتن اندیشه بسته و محدود، اسیر خط و جناح و گروه بودن، خوره آزاداندیشی است. اینک که بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی فضای باز تفکر فراهم آمده است لازم است طلاب و دانشجویان، این دو قشر سازنده جامعه، از این فضای الهی برای ارتقای علمی و فرهنگی خود استفاده کنند و هرگز اجازه ندهند که فرد یا گروه خاصی فکر و اندیشه آن ها را قبضه کرده اسیر خود سازد.

ارزش دانشجو، طلبه و هر انسان آزاده بالاتر از این است که گروه یا جناح، فکر و اندیشه اش را قبضه کنند، به گونه ای که اسیر حزب یا گروه خاص گردد. گروه گرایی ها و خط بازی ها سرانجامی جز تفرقه ندارد و تفرقه نیز سرانجامی جز نابودی و هلاکت نخواهد داشت.

ص: 129

شایسته ترین مکانی که باید در آن به این آیه شریفه عمل شود حوزه ها و محیط های دانشگاهی است.

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛ (1) پس بشارت ده بندگانم را. آنان که گفتارهای مختلف را می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند.

پر واضح است نباید «تجسّرگرای» را با «تعبد» که دارای زیربنای معقول و منطقی و قابل پذیرش است یکی دانست. ما موظفیم در برابر حضرت حق عز و جل، فرستادگان او و آنان که او به اطاعتشان فرمان داده است تسلیم باشیم. بر این اساس باید به شدت از تفسیر به رأی و تحمیل نظر بر

آیات و روایات اجتناب کرد.

5- نظراتان در مورد بررسی و اصلاح کتب درسی (نظیر رسائل، مکاسب و کفایه) و طرح مباحثی چون فقه تطبیقی در کنار فقه متداول و پرداختن به شبهات جدید کلامی در حوزه چیست؟

در پاسخ به سؤال دوم بخشی از این سؤال نیز پاسخ داده شد.

نکاتی در اصلاح حوزه

در مورد اصلاح کتب درسی لازم است به چند نکته توجه شود:

الف) تا متن مناسبی برای تدریس عرضه نشده است باید همین

ص: 130

متون به قوت خود باقی بماند. نباید به گونه ای با این کتاب ها برخورد شود که طلبه از خواندن آن ها دلسرد شود؛ زیرا اثر منفی این نوع برخورد تهی شدن علمی حوزه خواهد بود.

ب) اصلاح کتب درسی به جایگزین کردن کتابی جای کتاب دیگر نیست؛ زیرا با جابه جا کردن یک کتاب، مشکل اصلاح کتب درسی حل نخواهد شد. برای آن که این کار به طور اساسی صورت پذیرد باید کمیته ای مرکب از متخصصان علوم حوزوی عهده دار این امر گردیده و با تشکیل کمیته ای تخصصی (همانند ادبیات، فقه، اصول، فلسفه و...) به اصلاح مجموعه کتب درسی بپردازند.

کتبی که نیاز به اصلاح دارد حساب شده و دقیق اصلاح شوند و علمی که نیازمند به متن جدید است، متنی مناسب از سوی همین کمیته تهیه گردد. (شایان ذکر است تهیه متن درسی کار بسیار حساس و دقیقی است و ضرورتاً نیازمند کار جمعی است)

ج) متون موجود حوزه ها به ویژه رسائل، مکاسب و کفایه متونی است که طی سالیان متمادی مورد استفاده حوزه ها بوده و نقش زیادی در تقویت بنیه علمی طلاب داشته است. به نظر می رسد اصلاح همین کتاب ها در رشد علمی طلاب بسیار نافع تر باشد، تا حذف و جایگزینی آن ها. بدین ترتیب که مباحث نافع محفوظ بماند، مباحث علمی نافع مفصل تلخیص شود (مانند بحث «انسداد» رسائل و کفایه و «کتاب العتق» شرح لمعه؛ زیرا هرچند این مباحث فایده عملی ندارد، لیکن فایده علمی بسیاری دارد. البته به تفصیلی که در این کتاب ها مطرح شده ضروری نیست و تلخیص آن ها لازم و مفید است) و مباحث کم فایده و بی فایده

حذف و مطالب سودمند و لازم جایگزین آن ها گردد.

6- اطلاع روحانیون از پیشرفت های جهانی مرتبط با معارف اسلامی تا چه حد ضرورت دارد و دستیابی به آن ها از چه طریق ممکن است؟

روحانیت عهده دار ابلاغ پیام اسلام به جهانیان است. برای انجام این رسالت الهی باید از عالی ترین شیوه ها بهره جست، از مدرن ترین ابزار استفاده کند. بر این اساس آشنایی روحانیون از پیشرفت های جهانی

می تواند نقش ارزنده ای برای انجام رسالت الهی فوق ایفا کند. برای دستیابی به این مهم ارتباط حوزه با مراکز علمی، فرهنگی دنیا به خصوص با مراکز اسلامی در سطح جهان یک ضرورت است. باید در حوزه، مرکزی برای تحقق این امر تاسیس شود، تا این مرکز آخرین اطلاعات را در این زمینه تهیه کرده، در اختیار اساتید و طلاب بگذارد، تا بدین وسیله طلاب و روحانیون از آخرین پیشرفت ها در زمینه های فکری، علمی و مذهبی مطلع گردند.

ص: 132

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

